

موج جدید گرانی و پیامدهای آن

دزدیها و اختلاس‌های میلیاردی را برملا می‌سازند. در همان حال که جملگی مشغول غارت و چپ‌الاند، هریک برای سهمی بیشتر از شمره دسترنج کارگر و زحمتکش، تا افشاء و مفتضح کردن یکیگر نیز پیش میروند. هیچکس اما بفکر مردم نیست. مقامات حکومتی دریند خویش و مشغول بچاپ بچاپ‌اند. سرمایه‌دارها، تجار و ملاکین همگی در فکر سود و سرکیسه کردن توده زحمتکش مردم اند. قیمت کالاهای و مایحتاج عمومی بار دیگر موج وار، روندی صفحه ۹

شش ماه پس از روی کار آمدن خاتمی نه فقط هیچگونه گشایش ویا تغییر مثبتی در وضعیت اقتصادی و معیشتی توده زحمتکش مردم ایجاد نشده است سهل است، که اوضاع بمراتب از قبل هم وخیم تر شده است. بعنوان اقتصادی تشیید شده است. این بحران، درکنار بحران نظام اسلامی و رهبری حکومت اسلامی، تا اعماق جامعه رسخ کرده است. جناح‌های حکومتی در جوان رقابت‌ها و تصفیه حسابهای خویش، پته هم را روی آب میریند، پرده از روی سو، استفاده‌های کلان مالی یکیگر برمی‌دارند،

اعتلاء مجدد جنبش دانشجویی

و

وظائف دانشجویان چه

چنین بنظر میرسد که جنبش دانشجویی در ایران، پس از افت و خیز‌های سالهای گذشته، باریگر به مرحله جدیدی از رونق و اعتلاء، گام نهاده است. دریی انتخابات خردمندانه ریاست جمهوری که عاقب ونتایج سیاسی معینی دریی داشت، تغییر و تحولاتی را در تناسب قوای جناح‌های رقیب در حاکمیت به باز آورد، این تحولات ونتایج سیاسی آن در دانشگاه‌های کشور نیز انعکاس یافت و جنبش دانشجویی با تحرکات و اعتلاء، نیزی روپرور گردید.

در چند ماه اخیر اعتراضات متعددی از سوی دانشجویان در تعدادی از دانشگاه‌های کشور صورت گرفت که اخبار برخی از این اعتراضات و ایضاً مطالبات دانشجویان در محله‌های حتی در موضوعات رسمی و دولتی نیز منعکس گردید. در لین حرکتها و اعتراضات دانشجویی دو جوان کاملاً قابل رؤیت است. نخست یک جنبش بشیط به وقوع پیوست و انقلاب کبیر کارگری روسیه، ارکان نظام طبقاتی جهان را به لذه درآورد. پرولتاریای روسیه برای برافکنند نظم طبقاتی به پا خاسته بود. در ۲۵ اکتبر (نومبر) کارگران و سربازان پتروگراد به قیام پیروزمندانه دست زدند. قیام به سرعت به مسکو و دیگر شهرهای مهم روسیه گسترش یافت و انقلاب سوسیالیستی کارگران روسیه با تمام ابعاد وعده‌مندی داشت. دنیا در آن حضور دارند. مطالبات آنها در این مرحله عملتاً مسائل صنفی - رفاهی دانشجویی است که گاه با برخی مطالبات سیاسی نیز همراه است. دانشجویان خواهان حذف و تعییل شهرهای سنگین و کمرشکن، بهبود امکانات رفاهی دانشجویی، از جمله مساقن و مرکز زندگی دانشجویی و همچنین عدم دخالت پلیسی - بوروکراتیک در امور دانشگاهها و مسائل دانشجویی هستند. این اعتراضات در مواردی اشکال قهر آمیز بخود گرفته و به زد خود میان دانشجویان و نیروهای سرکوب و مزدوران حکومتی مستقر در دانشگاه‌ها انجامیده است. اما علاوه بر این جنبش وسیع و عمومی دانشجویی یک جریان دیگر نیز وجود دارد که جریانی محلود و وابسته به یکی از جناح‌های حکومت یعنی مجمع روحانیون است. آنها اخیراً برداخته فعالیت خود افزوده‌اند و حرکت آنها اساساً یک حرکت سیاسی اصلاح طلبانه در جاری‌گذشت نظام و حکومت اسلامی است. این جریان خواهان آزادیهای سیاسی محلود، برای طرفداران حکومت اسلامی است وحدوداً مواضع همان مواضع خاتمی است. دفتر تحکیم وحدت این جریان را نمایندگی می‌کند. اما گایشانی از این صفحه ۲

ما راه انقلاب اکابر را ادامه خواهیم داد

اهمیت این انقلاب معلم بره روزی در خود انقلاب بود که به وضوح نقش و رسالت طبقه کارگر را نشان داد. کارل مارکس بنیانگذار سوسیالیسم علمی با تحلیل مشخص و تاریخی از نظام سرمایه‌داری، تضادها و روندهای عینی تحول آن، ضرورت جایگزینی نظام سوسیالیستی را به جای نظام سرمایه‌داری، از قانونمند تحول عینی خود لین نظام استنتاج نمود و نیروی زنده و فعل این دگرگونی را طبقه کارگر معرفی نمود. برای نخستین بار، پرولتاریای پاریس در محله‌های از کشور فرانسه با استقرار کمون پاریس، صحت نتیجه گیری‌های مارکس را در مورد نقش و رسالت طبقه کارگر در جریان تحول از سرمایه‌داری به سوسیالیسم نشان داد و اکنون پرولتاریای روسیه، در بعد ادامه داد، تاثیرات سراسر روسیه به انقلاب برای سرنگونی بورژوازی، صفحه ۱۳

در اکتبر ۱۹۱۷ یکی از برجسته‌ترین رویدادهای تاریخ بشیط به وقوع پیوست و انقلاب کبیر کارگری روسیه، ارکان نظام طبقاتی جهان را به لذه درآورد. پرولتاریای روسیه برای برافکنند نظم طبقاتی به پا خاسته بود. در ۲۵ اکتبر (نومبر) کارگران و سربازان پتروگراد به قیام پیروزمندانه دست زدند. قیام به سرعت به مسکو و دیگر شهرهای مهم روسیه گسترش یافت و انقلاب سوسیالیستی کارگران روسیه با تمام ابعاد وعده‌مندی داشت. دنیا در آن حضور دارند. مطالبات آنها در این مرحله عملتاً مسائل صنفی - رفاهی دانشجویی است که گاه با برخی مطالبات سیاسی نیز همراه است. دانشجویان خواهان حذف و تعییل شهرهای سنگین و کمرشکن، بهبود امکانات رفاهی دانشجویی، از جمله مساقن و مرکز زندگی دانشجویی و همچنین عدم دخالت پلیسی - بوروکراتیک در امور دانشگاهها و مسائل دانشجویی هستند. این اعتراضات در مواردی اشکال قهر آمیز بخود گرفته و به زد خود میان دانشجویان و نیروهای سرکوب و مزدوران حکومتی مستقر در دانشگاه‌ها انجامیده است. اما علاوه بر این جنبش وسیع و عمومی دانشجویی یک جریان دیگر نیز وجود دارد که جریانی محلود و وابسته به یکی از جناح‌های حکومت یعنی مجمع روحانیون است. آنها اخیراً برداخته فعالیت خود افزوده‌اند و حرکت آنها اساساً یک حرکت سیاسی اصلاح طلبانه در جاری‌گذشت نظام و حکومت اسلامی است. این جریان خواهان آزادیهای سیاسی محلود، برای طرفداران حکومت اسلامی است وحدوداً مواضع همان مواضع خاتمی است. دفتر تحکیم وحدت این جریان را نمایندگی می‌کند. اما گایشانی از این صفحه ۲

دراين شماره

دراين شماره

یک جبهه از توحش و بربیت
در نظام سرمایه‌داری

صفحه ۱۱

اخبار کارگری جهان

ستون آزاد

بیانیه مشترک خطاب به مردم ایران صفحه ۳

صفحه ۱۱

اخباری از ایران

صفحه ۷

صفحه ۲۱

اطلاعیه مشترک

صفحه ۱۲

صفحه ۱۲

گزیده‌ای از نامه‌های رسیده
بده بستانهای ارتقای امپریالیستی
وارتجاع اسلامی

صفحه ۱۲

اطلاعیه سازمان

صفحه ۱۴

تلاش رژیم برای گسترش شبکه‌های اطلاعاتی
وجاسوسی در خارج کشور

صفحه ۱۰

صفحه ۴

تاریخ مختصر

یازدهمین کنگره حزب کمونیست کوبا

جنبش بین‌المللی کارگری (۳۶) صفحه ۵

چه گواهانه شد

صفحه ۱۶

اعتلاء مجدد جنبش دانشجویی و . . .

پانزدهمین کنگره حزب کمونیست کوبا

رشاقدادی منجر شد است. علت رشد نازل اقتصادی، کاهش تولیدشکر ذکر شده است. براساس محاسبات متدرج درقطنمame پیشنهادی، حجم تولید شکر در مقایسه با سال قبل به نصف کاهش یافته که این امر تابع مخرب اقتصادی به همراه داشته است. واکذاری ۴۲ درصد از مزارع کشت نیشکر به کنوبیتیوهای کوچک که هیچگونه التراصی به کشت و تحویل نیشکر نداشته اند، یکی از عوامل مهم در کاهش تولید نیشکر ذکر شد. کنگره درین زمینه بربرهی کمونیستی و کاربرنامه بینی شده تأکید نمود. یکی بیکاری باخت مهم کنگره، کاهش اعضاء کمیته مرکزی و گرینش دیر دوم حزب بود. از همین رو کنگره مقرر داشت بنظرور تحرک و کارآئی بیشتر، اعضاء کمیته مرکزی از ۲۲۵ به ۱۵ تقاضیل یابد. کمیته مرکزی منتخب، از جمله شامل تعنادی از کادرهای جوان حزب میباشد که در بخش جوانان حزب فعال میباشند. همچنین ۲۴ تن به عضویت درفتر سیاسی حزب برگزیده شدنده که در میان آنان نیز ۵ تن از اعضاء جوان و فعل حزب میباشند. لازم به ذکر است که ۱۶ درصد از شرکت کنندگان در کنگره زیر ۳۵ سال سن داشتند و ۲۲ درصد از شرکت کنندگان را نمایندگان زن تشکیل میدانند. فیلیل کاسترو در نقط پایانی، خطاب به شرکت کنندگان در کنگره گفت: « . . . نمایندگان درسخنرانی های خود، نمونه های مشیت و کارآئی راجهت غلبه بر مشکلات طرح نمودند که اساس آن بر کنترل و تصمیم گیری و سازمانهای بیشتر برای افزایش تولید است. » وی در خاتمه افزواد: « . . . ما راهی را که سرمایه داران علیه کارگران به کار میگیرند، به کار نخواهیم گرفت و کارخانه ها و موسسات راخصوصی نخواهیم کرد. وظیفه ما کمونیستها این است که به کشف و ارتقاء، قابلیت های انسانی پردازیم».

پانزدهمین کنگره حزب کمونیست کوبا، روزهای ۸ الی ۱۰ اکتبر سال جاری درهواانا برگزارشد. کنگره با نطق ۷ ساعته فیلیل کاسترو آغاز شد. وی درین سخنرانی ضمن تجلیل از چه کوارا و مبارزات وی، به تشریح مشکلات اقتصادی کوبا پرداخت و گفت: « . . . طی سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲، واردات کوبا به یک چهارم جم خود کاهش یافت. در سال ۹۲، عمل صدها هزارتن به علت نبود مواد غذائی و تعطیل کارخانجات بیکار شدنپول رایج کوبا سقوط فاحشی نمود. کسری بودجه افزایش یافت. تحریم اقتصادی و مشکلات خارجی برابعاد این نابسامانیها افزواد». کاسترو دردامنه به راه حلی که کویا جهت مقابله بالین مشکلات دریش گرفته اشاره کرد و گفت: « . . . مامجبوریم ضمن حفظ برخی پرسنیب ها، سرمایه گذاری خارجی در کوبیا مجاز شمیم ویه دلار آمریکا بعنوان یک ارز قانونی امکان گردش بهلهیم. توریسم راگسترش بهمیم . . . این اقتصادات برغم چنین های منفی، تا حدودی از مشکلات ما کاستند. امروز ماتاحلودی شاهد بهبود اوضاع اقتصادی در کوبیا هستیم. » فیلیل کاسترو دریخانه ای از نقط خود، راه حل غلبه بر مشکلات موجود دریخ کشاورزی رادرهبری کمونیستی توأم با کارمنظم و بیگر، داشت. در زمینه مسائل تشکیلاتی، وی بر لزوم گرینش اعضاء جلید کمیته مرکزی و انتقال رهبری به کادرهای که در جریان انقلاب کویا، آبلیده شده اند، تاکید نمود.

پس از نقط افتتاحیه، کنگره به بحث حول قطعنامه های پیشنهادی در زمینه مسائل اقتصادی - سیاسی و تشکیلاتی پرداخت. یکی از مباحث محوری، برنامه اقتصادی بود که از ۴ سال قبل بنظرور غلبه برنا با سامانیها بکار گرفته شده بود. اساس این برنامه برگشتارش صنایع سبک استوار بوده وی ۲/۱ درصد

در درون جنبش دانشجویی برای این که بتواند به وظایف اقلایی خود عمل کند، باید خود را بصورت یک فراکسیون کاملاً متمایز در درون جنبش عمومی دانشجویی مشکل سازد، در عین حال که برای حفظ ائتلاف با جریانات دیگر درون جنبش دانشجویی که خواستار سرنگونی حکومت و تحقق آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک هستند، تلاش میکند، باید این حقیقت را در انتظار داشته باشد که اهداف و وظایف جریانات سوسیالیست درون جنبش دانشجویی بسی فراتر از مطالبات دمکراتیک و آزادیخواهانه است. هرچه جنبش دانشجویی اعتلاء پیدا کند و در روند اعتلاء خود را بیکالیزه گردد، جریانات چه

جربان، پا را از این حدود نیز فراتر نهاده و مسئله اختیارات ولی فقیه را مورد سوال قرار داده اند. اینان خواستار محدود شدن این اختیارات از طریق تجدید نظر در قانون اساسی و حتی انتخابی شدن ولایت فقیه شدند. این گروه برای ایزرا عقاید و نظرات خود حتی دست به برخی اقدامات اعتراضی علی زده است از جمله اینکه در دانشگاه تهران یک گرد هم آئی ترتیب داده است ویا برخی از رادیوهای فارسی زبان کشورهای دیگر مصاحبه هایی انجام داده است. معهدها بحی نیست که این گروه نیز مدافعان حکومت اسلامی است و از حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه دفاع میکند. از اینرو مجموعه این جربان قادر نفوذ و اعتبار در میان توده مردم و توده وسیع دانشجویان است. چشم انداز رشد و گسترش ندارد ویا اعتلاء جنبش اعتراضی عمومی دانشجویی زوال خواهد یافت. دلالت آن هم روشن است: آنها از نظر سیاسی به طرح مسائلی میپردازند که ربطی به خواستهای مردم و جنبش دانشجویی ندارد. مردم ایران و جنبش عمومی دانشجویی، خواهان برقراری آزادیهای سیاسی به شکل کامل و جامع آن هستند و نه وجود آزادیهای برای طفداران حکومت اسلامی. بعلاوه آنها خواهان برافتادن سیستم استبدادی ولایت فقیه و حکومت اسلامی هستند و نه اصلاح و تعییل در آن. این خواستها درتضاد آشکار با خواستها و مطالبات جربانی است که در پیشترین حالت خواهان محدود کردن اختیارات ولی فقیه میباشد. گذشته ازین، جربان فوق الذکر خود یکی از عوامل و ایزارهای سرکوب جنبش دانشجویی بوده و ماهیت آن و جناح حامی اش برهمگان آشکار است. بهره حال آنچه که باقی میماند و حائز اهمیت است همانا جنبش اعتراضی عمومی دانشجویی است. این جنبش عجالتاً خود انگیخته است و همانند جنبش های دانشجویی دوره های گاشته نخست با مطالبات صنفی و رفاهی دانشجویی وارد عرصه کارزار شده است. تحریه جنبش های دانشجویی دریان و نیز درکشورهای دیگری که دیکاتوری عربان بر آنها حاکم است، نشان داده است که همین جنبش با همین مطالبات، به زودی تبدیل به جنبشی با مقاصد سیاسی و مطالبات دمکراتیک خواهد شد. در درون این جنبش گرایشات طبقاتی مختلفی عمل میکنند. با این وجود در روند تکامل این جنبش تقطه مشترک وحدت سیاسی گرایشات مختلف، مخالف با سیستم دیکاتوری عربان، تلاش برای کسب آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک و در مراحل پیشرفتی تر آن، سرنگونی حکومت خواهد بود.

جنبس عمومی دانشجویی، در مرحله کنونی درعین حال که میکوشد از تضادهای جناح های حکومت به نفع مطالبات خواستهای خود استفاده کند و فضای مبارزاتی علیه حکومت را توسعه دهد، باید از درهم آمیختن و یا دنباله روی از جناح حکومت و جریانات دانشجویی وابسته به این جناح ها پرهیز کند و راه مبارزه مستقل خود را دیگری.

دانشجویان سوسیالیست و مارکسیست در درون این جنبش میتوانند و باید نقش مهمی درهایت و رادیکالیزه کردن جنبش دانشجویی ایفا کنند. جناح مارکسیست و رادیکال

بیانیه مشترک

خطاب به مردم ایران

کارگران و زحمتکشان!

مردم آزادیخواه ایران!

رژیم جمهوری اسلامی میکوشد تا شرکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری را نشانه حمایت مردم از رژیم و انمود کند تا شاید از این طریق بتواند گشایشی در اوضاع بحرانی درونی و بین المللی اش ایجاد کند.

کاربیستان رژیم و استحاله طلبان در داخل و خارج کشور با توهمند پراکنی در مورد خاتمی و کلیتشاش از مردم و نیروهای اوپوزیسیون دعوت میکنند تا به رژیم دل بسته و به همکاری با آن پردازنند.

کشورهای اتحادیه اروپا نیز با چشم پوشی از رای دادگاه میکونوس به این توهمات دامن زده و با ادعای اینکه گویا «در ایران سرکوب سیاسی دیگر وجود ندارد»، در بهبود مناسبات خود با رژیم و بستن قراردادهای جدید میکوشند.

تلام سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان، اعدام زنانیان سیاسی و شدید فشار بر مخالفین، نشان میهد که خاتمی نه میتواند و نه میخواهد در نظام حاکم تغییری ایجاد کند. ونباید فراموش کرد که جناحهای مختلف رژیم، اشتراکات محکمی در حفظ و دام ولایت فقیه، مناسبات موجود و سرکوب مبارزات برق توده های کارگر و زحمتکش دارند. با لین حال، بدون حمایت و یا ذره ای خوشبواری و امیلواری به هیچ جناح و شخصیتی از رژیم، باید از هر رخنه و شکاف و امکانی که از اختلافات و تشیید تضادهای درونی آنها بوجود می آید، برای عقب راندن رژیم و پیشوی جنبش مستقل کارگری و تودهای بهره جست .

کارگران و زحمتکشان !

موجویت نظام حاکم با حقوق آزادی های پایه ای شما مغایر است و تنها با سرنگونی انتقامی آنست که تحقق خواسته های اکثریت محروم جامعه امکان پذیر خواهد شد.

هیچیک از جناحهای درون حاکمیت نمیتوانند خواسته های شما را بر آورده کنند. تنها در اتحاد طبقاتی و از طریق تشکل های مستقل از دولت و نهادهای ولبسته به رژیم و تشیید مبارزه است که میتوانید به حقوق و خواسته هایتان دست یابید.

زنان تحت ستم !

مبارزه شما برای تحقق خواسته هایتان و مبارزه برای حقوق برابر با مردان در همه عرصه ها و رفع تبعیض جنسی، درییند با مبارزه علیه موجویت جمهوری اسلامی است که میتوان مبارزه ای شمریخش باشد.

جوانان ، دانش آموزان ، دانشجویان و روشنفکران !

برای خواسته هایتان، برای حقوقتان، و برای نجات آینده تان از نا امنی و تاریکی متشکل شوید و مبارزه برای رسیدن به آزادی و زندگی انسانی را با پیکار طبقه کارگر و زحمتکشان برای آزادی سوسیالیسم پیوند زنید.

نیروهای اقلابی !

جهت کمک به سازمانیابی کارگران و زحمتکشان و شرکت گسترده در مبارزات آنان، فعالیت های خود را هر چه بیشتر همسو نمائید!

اسامی برتری حروف الفباء:

اتحاد فدائیان کمونیست

پویندگان اتحاد برای آزادی

حزب کار ایران

حزب رنجبران ایران

سازمان کارگران اقتصادی ایران (راه کارگر)

سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان کارگران مبارز ایران

شورای کار

هسته اقلیت

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

بده بستانهای ارتقای اسلامی و ارجاع اسلامی

وحتی زور و فشار و تهیید نظامی متول شده است و گاه که جمهوری اسلامی از دمین تمایلات توسعه طلبانه اش درشیبور باز ایستاده، وبا لعنتی از آن کاسته است تاطبق خواست آمریکا، در ایجاد ثبات نسبی در منطقه خلی وارد نشود، از دامنه تشنج ها کاسته است، تحریم اقتصادی رادر سایه قرارداده است و مجازات زیرانهادگان طرح داماتو رانیز نادیده گرفته است. خلاصه آنکه دولت امپریالیستی آمریکا در همه حال دنبال تحکیم موقعیت خود در منطقه واحیاء بازارهای پررونق پرسود گشته بوده است.

ارتقای اسلامی حاکم بر ایران نیز که جز دریک رشته شعارهای میان تهی هیچگاه ضدیتی با امپریالیسم نداشته است، کم استعدادتر از امپریالیستی شناخت معینی رژیم ازفشارهای دولت های امپریالیستی را از خود محفوظ نهاده است که رژیم فرست کند خود را تحولات سیاسی بروفق نظر کلی لین دولت ها منطبق وبا تقرباً منطبق کند. جمهوری اسلامی بشدت نگران اوضاع داخلی خود است و مثل هوا، به تثبیت وضعیت داخلی نیازمند است وهمواره کوشیده است تا بین مظ惆 از بالا و پایین رفتن مناسباتش با آمریکا نیز استفاده کند. گاه میکوشد از تشدید تشنجات در مناسبات خود با آمریکا درجهت بهبود و تثبیت وضعیت داخلی خود استفاده کند و گاه درجوى آرام تر و تخفیف این تشنج ها! علاوه بر این جمهوری اسلامی دریی آن است که به تقدیر خود را از ازدواج نجات دهد، از این روست که هر آینه حاضر است با دولت های امپریالیستی وارد چانه زنی شود و درین راه از دادن امتیازات کلان تجاری و اقتصادی نیز دریغ نمیکند.

ارتقای اسلامی، رئیس جمهور حکومت اسلامی و وزیر خارجه اش از تشنج زدائی و بهبود روابط با دنیای خارج صحبت میکنند و صدور انقلاب راعجالاتا به پشت صحنه می فرستند، ارجاع امپریالیستی نیز این موضوع را می فرمد ویرای گرفتن امتیازاتی بیشتر، امتیاز میدهد. لین بدء بستان ها اما یک بار دیگر این حقیقت عیان رادربرابر چشم همه کان زنده میکند که امپریالیسم برغم همه جارو جنجال هایش پیرامون نقض حقوق بشر در حکومت اسلامی، درنهایت حامی و پشتیبان رژیم بغايت ارجاعی حاکم بر ایران است، باضافه اینکه افت و خیز روابط و مناسبات جمهوری اسلامی با قدرتهای امپریالیستی نیز ربط به منافع و خواست کارگران و زحمتکشان ندارد. منافع مستقل کارگران و زحمتکشان مستقل ازین بدء بستان ها در همه حال، چه درتشید، وجه درگاهش تشنج در مناسبات ارجاع اسلامی و ارجاع امپریالیستی، با سرنگونی ارجاع حاکم بر ایران بلست خود آنهاست که تامین میشود و لاغیر!

نمیشود و درگیریهای لنظمی بی رمق آمریکا و فرانسه نیز، شروع نشده، پایان میگیرد.

امتنای دیگری که دولت آمریکا به جمهوری اسلامی داده است، معروف سازمان مجاهدین خلق بعنوان یک جریان «تزوییست» است. البته نباید این موضوع را نادیده گرفت که سازمان مجاهدین برغم همه معلق هایی که جلو آمریکا زده است و تلاش هایی که برای جلب رضایت آن بعمل آورده است، کرچه مناسبات کاملاً حسنی ای با محافظ و شخصیت های آمریکائی و امپریالیستی برقرارنموده است، اما هنوز توانسته است رضایت کامل و صدرصد آمریکا را فراهم کند. در طول یک دهه و نیم اخیر آمریکا همواره از سازمان مجاهدین خلق، بی آنکه سایر جریانهای بروزگش اپوزیشن جمهوری اسلامی را لاز محاسبات خود خارج کرده باشد، بعنوان اهم فشاری علیه جمهوری اسلامی استفاده کرده است. هم اکنون بی آنکه استفاده از چنین ایزدی رافاوش کرده و با آنرا کنارهاده باشد، اما برایاند مجموعه تمیلات دو حزب ودو گرایش اصلی شکل دهنده دولت آمریکا، برکاهش تشنج با جمهوری اسلامی ویر بی مهی رسی نسبت به این جریان در عین دلجهوی های غیر رسمی ازان استواره شده است. بهصورت بلاقصله بعد از این موضعگیری دولت آمریکا واعلام پرسو صدای آن و فی الواقع دادن چراغ سبز به رژیم جمهوری اسلامی است که میبینیم جنگنده های هوائی رژیم در اسماں عراق و حتی در مناطق «منوعه» پیروز دارمی آینده پایگاه های مجاهدین در خاک عراق را مورد حمله هوائی قرارمیدهند. اگر پیش ازین، پرواز هوایی های عراقی در اسماں خود و در مناطقی که توسعه دولت آمریکا و دول اروپائی ممنوع اعلام شده بود، با اعتراض و جنجال پرسو صدای این دولت ها همراه میشود و تهیید های نظامی رانیز دریی داشت، اکنون ارتکاب چنین عملی توسعه رژیم جمهوری اسلامی در محقق سکوت کامل یا نسبی این دولت ها فرو میرود!

هر کسی این موضوع را میداندکه امپریالیسم آمریکا برغم تبلیغات و تحریم های اقتصادی اش علیه جمهوری اسلامی یعنی رژیمی که شعارهای باصطلاح ضد امپریالیستی و فریاد عوام‌گردانه «مرگ برآمریکا» یش هنوز یکوش میبرد، هیچگاه خواهان تابودی آن نبوده است. آمریکا ماهیت این شعارها و فریادها رامی شناسد و میداند که لین ها از روز اول هم برای مصرف داخلی تولید میشده است و طی تزدیک به دوده نشان داده است که در بازی کردن و مسامات با جمهوری اسلامی استعداد فراوانی دارد و بسته به اوضاع، دیلماسی اعمال فشار راگه تشید کرده است و گاه تعییل. آمریکا در همه حال در فکر تامین منافع امپریالیستی خویش در منطقه بوده است و البته بدلین منظور، گاه سیاستهای ماجراجویانه و توسعه طلبانه جمهوری اسلامی (یاغرق) را بهانه قرارداده و از آن به نفع خود ریه نفع پیشبرد سیاستهای تجاوز کارنه خود سود جسته است و درین حالت به تحریم و مجازات اقتصادی

بعد از روی کار آمدن خاتمی، تغییرات کمی معینی در مناسبات و روابط آمریکا با جمهوری اسلامی پذیراشده است. این تغییرات اگرچه هنوز به مرحله ای کمی ترسیم شده است، اما در هر حال تغییراتی محسوس و قبل رویت که متناظر است با گذشت هایی به نفع جمهوری اسلامی. دولت آمریکا (همچون سایر دول امپریالیستی) که در کارزار تبلیغاتی حمایت آمیز خود از رسانه های بین المللی به نفع خاتمی و روی کار آمدن وی بی نقش نبوده است، از آنچا که موقعیت و رئیس جمهور جلیل را برای پیشبرد برنامه های خویش تزدیک تر و مساعده ریشه ایشان است، اگرچه با حزم و احتیاط، اماده رحل سعی کرده است به رژیم جمهوری اسلامی تزدیک و تزدیک تر شود و در همین رابطه است که حتی حاضر شده است امتیازات معینی هم به جمهوری اسلامی بلدهد.

نحوه برخود آمریکا به مسئله عقد قرارداد شرکت ملی نفت ایران با یک کنسرویوم نتفتی که در حد آن متعلق به شرک فرانسوی توتال است، از جمله یکی از این امتیازات است. دوشنبه هفتم مهرماه، شرکت توتال یک قرارداد ۲ میلیارد دلاری با شرکت ملی نفت ایران (شرکت گاز پارس ایران) منعقد کرد. طبق قرارهای قبلی دولت آمریکا و طرح سنتورداماتو مبنی بر تحریم اقتصادی ایران و مجازات شرکت های طرف قرارداد با جمهوری اسلامی، شرکت توتال که قراردادی به لحاظ جم مالی، بسیار بزرگ تر و فراتر از حد مجاز یعنی از ۴۰ میلیون دلار با جمهوری اسلامی منعقد کرده بود، میلیستی مورد مجازات دولت آمریکا و شرکت های آمریکائی قرارگیرد. دولت آمریکا اما بجای برقراری واجراء مجازاتی، دعمل قرارهای خویش را نقض کرد و دریابر آن هیچ ویاقریباً هیچ عکس العمل جنی مخالفت آمیزی از خودنشان نداد. گرچه توتال در سال ۱۹۷۴ نیز قراردادی درموده توسعه میان نفتی سیری با جمهوری اسلامی امضا کرده بود، اما آن قرارداد، قابل مقایسه با قرارداد ۲ میلیارد دلاری اخیر که طبق آن از اول سال ۱۹۷۰ میلادی شرکت توتال همراه شرکت «پتروناس» مالزیائی و «گازپروم» روسی به استخراج گاز از حوزه پارس جنوبی واقع در خلیج فارس خواهد پرداخت و گفته میشود که بزرگترین سرمایه گذاری خارجی در حوزه نفت و گاز ایران است، نمی باشد.

توatal، البته حمایت آشکار شیراک و دولت فرانسه، و دولت فرانسه حمایت سایر دولت های اروپائی را با خود داشت و این همه نمیتوانست بدون جلب رضایت وبا توافق ضمنی آمریکا باشد و نبود. در چنین فضایی است که «تیره ماره» رئیس شرکت نفتی توatal، همان روز عقد قرارداد فوق، فاش ساخت که قبل از انعقاد این قرارداد کلان، با شرکت های صاحب نفوذ آمریکائی نیز گفتگو نموده است. واز اینجاست که می بینیم صدای داماتو، مبتکر تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی دراعتراض به این موضوع، در فضایی پیچید و انعکاسی نمی باید. روی این سخنان اعتراض آمیز، به شکل گذشته مکث و تبلیغ

تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری

جنبش کارگری در فاصله دو انترنسیونال

بریتانیا از روحیه مبارزاتی بالاتر برخوردار بودند. اعتصاب را سلاح عمدۀ مبارزه می‌کردند.

شكل گیری این اتحادیه‌ها دو نتیجه بلاواسطه را بهمراه داشت. نخست این که اتحادیه‌های قدیمی و باصطلاح متاز کارگران ماهر را مجبور نمودند که درب‌های خود را به روی کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر بگشلیند. وین خود چنان تاثیری برشد کمی اتحادیه‌ها برای گذاشت که تا پیان قرن نوزدهم اعضاء آنها به دو میلیون رسید. ثانیاً - بازشنی درب اتحادیه‌ها به روی کارگران ساده و نیمه ماهر، بهمراه خود یک موج رایکالیسم را به درون اتحادیه‌ها آورد که هرچند اتحادیه‌های بریتانیا را اساساً دگرگون نساخت، معهداً برمواضع کنگره اتحادیه‌های بریتانیا تاثیر قابل ملاحظه ای گذاشت. از جمله در ۱۸۹۰ رهبران اتحادیه‌ها، قطعنامه‌ای را که کارگران و خواستار قانونی شدن ۸ ساعت کار روزانه شدند. سپس در ۱۸۹۳ نیز تصمیم گرفته شد که به منظور حمایت مالی از کارگرانی‌ها نمایندگی که اصل مالکیت جمعی بروسائل تولید را می‌پنیرند، یک صندوق انتخابات ایجاد گردد. ویک سال بعد هم کنگره اتحادیه‌ها، طی قطعنامه‌ای خواستار ملی شدن زمین، معادن و تمام وسائل تولید گردید. (۳)

در همین حال گرایش به اتحاد درست طرح سراسری نیز تقویت گردید. در ۱۸۸۹ فدراسیون معلنچیان بریتانیا تشکیل گردید و درپی آن یکشته فدراسیون در رشته دیگر صنعت پیدی آمد.

در ایالات متعدد نیز ب رغم فشار و سرکوبی که از جانب کارفرمایان علیه کارگران و اتحادیه‌های آنها وجود داشت، موج جنبش‌های اعتضای دهه ۷۰ و ۸۰ بود. در پی اعتصاب بر جسته کارگران راه آهن در ۱۸۷۷ به همراه خود موج وسیعی از روی اوری کارگران به نشکن و رشد اتحادیه‌ها را پیدی آورد. شوالیه‌های کار در این سالها از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار شدند. بودجه بعد از آن که در ۱۸۸۱ آنها اساسنامه مخفی را کنار گذاشتند، تعادشان تا اواسط دهه ۸۰ از ۷۰۰۰۰ نفر نیز گذاشت. تشکیلات شوالیه‌های کار، کارگران را بدون استثناء از ماهر و غیر ماهر، سیاه و سفید، زن و مرد سازماندهی می‌کرد. اماتریچا رهبران آن فاسد کاملاً رادیکال داشت و از منافع کارگران دفاع می‌کرد. ارامنه رهبری این فاسد شدند، یک سیاست اپورتونيستی مبتنی بر بازاری طبقاتی و رفمیس اتحادیه‌ای در پیش گرفت، مدعی شدند که «سرمایه داران دشمن مایستند» (۴) و به رو در روشی و مقابله با مبارزه کارگران برای ۸ ساعت کار روزانه برخاستند. این سیاست سازشکارانه، رهبری شوالیه‌های کار باعث شد که توهه و سیعی کارگران رادیکال صفوی این تشکیلات را ترک بگویند. لذا این تشکیلات به سرعت زوال یافت. اما در همان حال که تشکیلات شوالیه‌های کار با بحران روپر شده و در حال فروپاشی بود، یک تشکیلات کارگری دیگر به نام فدراسیون آمریکائی کار آغاز به رشد و گسترش نهاد.

فدراسیون کار در ۱۵ نوامبر ۱۸۸۱ توسط ۶ اتحادیه نقاشان، نجاران، فلزکاران، شیشه‌سازان، سیگارسازان و کارگران آهن، فولاد و قلع تشکیل گردید که مجموعاً ۵۰۰۰ کارگر را در صفوی خود مشتمل ساخته بودند. (۵) رهبر این تشکیل ساموئل گامپرس بود که در اوائل کار نقش مهمی در سازماندهی مبارزات کارگران ایفا نمود، اما بعداً سیاستی سازشکارانه و رفمیستی در پیش گرفت.

در کنوانسیون ۱۸۸۶ که با حضور نمایندگانی از ۲۵ اتحادیه کارگری با ۳۰۰۰۰ عضو تشکیل گردید، به نفع جنبش مستقل سیاسی طبقه کارگر و مبارزه برای ۸ ساعت کار موضع گیری شد. (۶) در پی این تصمیم گیریها یکرشته اعتصابات برای تحقق مطالبه ۸ ساعت کار سازمان داده شد. در نتیجه این مبارزات، برتعاد اعضاء فدراسیون کار افزوده شد تا آنچه که در اواخر قرن از مجموع یک میلیون اعضاء اتحادیه‌ها، ۷۸۰۰۰ نفر وابسته به فدراسیون کار بودند. (۷) امادر لین نشکن نیز تدربی گریشات محافظه کارانه مسلط شد، دار و دسته گامپرس کوشیندگی اتحادیه‌های بریتانیا را پیاده کنند، حتی در برلین تصمیم فدراسیون مبنی بر پرپاشی یک اعتصاب عمومی در ۱۸۹۰ برای تتحقق مطالبه ۸ ساعت کار ایستادند و این تصمیم را لغو نمودند و سیاست سازش و همکاری طبقاتی را به خط مشی مسلط فدراسیون تبدیل کردند.

اتحادیه‌های کارگری

در فاصله زمانی که انترنسیونال اول در ۱۸۷۶ منحل گردید و انترنسیونال دوم در ۱۸۸۹ تشکیل شد، اتحادیه‌های کارگری از یک رشد قابل ملاحظه برخوردار شدند. از یک سو هم زمان با رشد صنایع و کمیت کارگران، برتعاد کارگران مشتشکل در کشورهای مختلف جهان افزوده شد و از سوی دیگر، تمکز قابل ملاحظه ای در جنبش اتحادیه‌ای پیدی آمد. تشکیل فدراسیونهای شاخه‌ای اتحادیه‌ها، وحدت اتحادیه‌ها در سطح منطقه‌ای و تشکیل تشكیل‌های سراسری نیز ممتد است، در این راستا بود. در ۱۸۷۶ اعضاء جنبش اتحادیه‌ای در سراسر جهان به زحمت از ۲ میلیون تجاوز می‌کرد اما در ۱۸۸۹ تنها اعضاء اتحادیه‌های انگلیس و ایالات متحده از رقم ۲ میلیون نیز بیشتر بودند. در این سال اتحادیه‌های کارگری انگلیس ۱۵۰۰۰۰ و اتحادیه‌ها در ایالات متحده متجاوز از ۶۰۰۰۰ عضو داشتند. (۸)

اما گسترش کمی و رشد کیفی اتحادیه‌های کارگری برغم این که از قانونمندی واحد تبعیت می‌کرد و مختص جنبش کارگری در این مرحله از تکامل آن بود، معهداً نه این رشد و گسترش در شرایط واحدی صورت گفت و نه در عموم کشورهای سرمایه‌داری از الگوی واحدی پیروی نمود.

در برخی از کشورهای سرمایه‌داری، اتحادیه‌ها به شکلی قانونی و تحت شرایط بالنسبة مساعد به فعالیت و رشد خود ادامه دادند. اما در برخی از کشورهای دیگر، اتحادیه‌ها به ناگزیر در شرایط غیر قانونی و زیر فشار و سرکوب طبقه حاکم به حیات خود ادامه دادند. به لحاظ خط مشی نیز سه جریان کاملاً متمایز شکل گرفته بود. اتحادیه‌های سوییال دمکرات، آنارکوستیندیکالیسم و بالآخر اتحادیه گرانی ناب یا رفمیست اتحادیه‌ای. لذا ضروریست که در چارچوب همین سه مقوله، جنبش اتحادیه‌ای را در مهتمرين کشورهای سرمایه‌داری مورد بررسی قرار دهیم.

اتحادیه گرائی خالص

قدرتمندین جنبش اتحادیه‌ای از نظر کمیت و حتی رشد و تحول صرفاً اتحادیه‌ای، جنبش اتحادیه‌ای بریتانیا بود. از نظر رشد کمی، از هنگام تشکیل کنگره اتحادیه‌های (توك) در ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۶ تعداد اعضاء اتحادیه‌ای ۴ برابر شده و به رقم ۴۵۶۰۰ نفر رسیده بود. این تعداد در ۱۸۸۵ به ۵۸۱ هزار نفر رسید. (۹)

علیغum لین که این رشد قابل ملاحظه بنظر می‌آید، معهداً هنوز در مقایسه با کل طبقه، رقم ناپیوی بود و نشان می‌داد که بخش اعظم کارگران در اتحادیه‌ها مشتشکل نشده‌اند. علت این امر هم با توجه به ساخت و بافت اتحادیه‌های کارگری بریتانیا روش بود. تا پیان دهه ۸۰ قرن نزدیک کارگران ماهر را در فروش از سازمانهای بسته ای بودند که بطور عمدۀ کارگران ماهر را در صفوی خود مشتشکل می‌ساختند. میلیونها کارگر نیمه ماهر بودجه غیر ماهر از عضویت در این اتحادیه‌ها محروم بودند. اتحادیه‌های بریتانیا که تحت نفوذ و رهبری این کارگران ماهر و ممتاز بودجه قشر مرتفه تر آن قرار داشتند، تضاد آشنا نایپنیر منافع پرولتاریا و بورژوازی را انکار می‌کردند. اهلاف سوسیالیستی را در برایر خود قرار نمی‌دادند. وظیفه خود را صرفاً به تلاش برای بهبود وضع و شرایط کار و زندگی پرولتاریا آنهم بخش مشتشکل آن، در چارچوب نظم سرمایه‌داری حاکم محلود می‌کردند.

در عین حال این اتحادیه‌ها ظاهراً از سیاست و احزاب سیاسی دوری می‌گزینند، اما در واقع دوری آنها از سیاست سوسیالیستی و احزاب سوسیالیستی بود و در چارچوب سیاست تردمیونیستی خود، در سیاست بورژوازی دخالت داشتند و خواستار رفع بودند و ملت‌ها متحد جزو لیبرال محسوب می‌شدند. به حال وضع برایمن منوال بود که مبارزات و اعتصابات وسیع کارگران در دهه ۸۰ و اوائل دهه ۹۰ منجر به شکل گیری و پیلاش اتحادیه‌های جلیلی شد که کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر را مشتشکل می‌ساختند. در ملتی کوتاه دهه‌ها اتحادیه‌ای این نوع به وجود آمد و صدھا هزار کارگر ساده و نیمه ماهر در صفوی آنها مشتشکل شدند. این اتحادیه‌ها برخلاف اتحادیه‌های قلیمی و سنتی

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

اتحادیه های کارگری کانادا و استرالیا نیز از نظر خط مشی و خصوصیات تقریبا همانند اتحادیه های انگلیس بودند. در حقیقت، اتحادیه های بریتانیا، ایالات متحده، کانادا و استرالیا مجموعا در مقوله اتحادیه گرایی ناب و خالص جای می گیرند. این اتحادیه ها به چیزی فراتر از نظم سرمایه داری موجود نظر نداشتند. اشرافیت کارگری رهبری این اتحادیه ها را در اختیار داشت، سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی و رفمیسم بورژوازی خط مشی غالب آنها بود.

۲- اتحادیه های سوسیال - دمکرات

دسته دیگری از اتحادیه ها در تعادی از کشورهای اروپائی وجود داشت که از یک مشی انقلابی پرولتاری پیروی میکردند و از سیاستهای احزاب پرولتاری پشتیبانی و حمایت می نمودند. رابطه این اتحادیه ها با احزاب سوسیال دمکرات و نیز خط مشی انقلابی آنها به گونه ای بود که به عنوان اتحادیه های سوسیال - دمکرات نیز از آنها نام برد میشد. پیشگام این اتحادیه های کارگری آلمان بودند.

قبل اشاره شد که در میتینگ نمایندگان تعادی از اتحادیه های محلی در نورنبرگ ۱۸۶۸ و یکسال بعد در لایپزیک مسئله تشکیل اتحادیه های متصرف با گریشی انقلابی مطرح گردید. قرار براین شد که یک کنگره از اتحادیه های مرتبط با سوسیال دمکراسی برگزار گردد. نخستین کنگره در ۱۸۷۲ در ارفوت با حضور نمایندگان ۱۲۰۰ کارگر گشاش یافت. اساسنامه کنگره اتحادیه های سوسیال دمکرات که توسط بیل تیه شده بود حاکی از این دیدگاه مارکسیستی بود که اتحادیه ها مکتب مبارزه طبقاتی هستند.

از آنجایی که در آلمان یک اتحادیه کارگری دیگر، اما تحت نفوذ و رهبری لاسالی ها وجود داشت، فعالین اتحادیه های کارگری سوسیال دمکرات، تلاش نمودند برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کارگری و کنار زدن مشی مهلك لاسالی با این اتحادیه ها متحد و دریک دیگر ادغام شوند. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد که سازمان های محلی دو اتحادیه در هم ادغام شوند. یک رهبری متصرف بوجود آید و این رهبری کار تارک برگزاری یک کنگره ملی اتحادیه ها را بر عهده بگیرد. لین وظائف پیش بده شد و تا ۱۸۷۸، ۲۷ اتحادیه متصرف شکل گرفته بود.

رشد جنبش کارگری و سوسیال دمکراتیک در آلمان و نیز قدرت روزافزون اتحادیه های سوسیال دمکرات، هیئت حاکمه آلمان را به شدت هراسان ساخته بود. بیسمارک صدراعظم آلمان که برنامه جامعی برای سرکوب جنبش کارگری تارک دیده بود، متصرف فرصت مناسبی برای اجرای آن بود. این فرصت مناسب پس از حمله مسلحه ای که به ویلهلم اول در ۱۸۷۸ صورت گرفت، پیش آمده بیسمارک قانون معروف خود به نام قانون علیه فعالیتهای خطرناک سوسیال دمکراسی یا قانون ضد سوسیالیستی را در ۲۱ اکتبر ۱۸۷۸ به مرحله اجرا درآورد.

حزب سوسیال دمکرات را غیر قانونی اعلام کرد. هزاران تن از فعالین حزبی و اتحادیه ای سوسیال دمکرات را دستگیر و به زندان اخراجت. انتشار تمام روزنامه های سوسیال دمکراسی را ممنوع ساخت و برغم این که ادعا میکرد این قانون به اتحادیه هایی که میخواهند وضع اقتصادی کارگران را بهبود بخشد کاری ندارد، دهها اتحادیه منحل شدند و لطمات سخت و جدی به اتحادیه ها وارد آمد.

در مجموع ۱۷ اتحادیه مرکزی کارگری و ۱۸ سازمان محلی رسمی درهم شکسته شدند. علاوه ۳۳۰ انجمن کمک متقابل که تحت رهبری سوسیال دمکراتها قرار داشتند، منحل شدند. (۸)

بیسمارک در همان حال که به سرکوب جنبش کارگری و برانداختن تشکل های مستقل طبقاتی کارگران می پرداخت می کوشید از طریق دادن امتیازات جزئی به کارگران بیویه در زمینه تامین اجتماعی، سیاست ارتقاضی و ضد کارگری خود را پیش برد.

معهذا هوشیاری حزب سوسیال دمکرات و اتخاذ تاکتیک های درست در زمینه تلفیق کار قانونی و غیر قانونی سیاستهای بیسمارک را با شکست روپرتو ساخت.

مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب میگردد. هر مقاله ای که برای درج در این ستون ارسال میگردد حداکثر میتواند حلو ۲۰۰۰ کلمه یا ۲ صفحه نشریه کار باشد.

دراطraf دو شعار

جمهوری دمکراتیک خلق و حکومت سورائی

نوشته «دراطraf دو شعار جمهوری دمکراتیک خلق و حکومت سورائی»، در اساس یک مقاله است که بعت محلویت صفحات مباحثات (دو صفحه) اجبارا ناتمام ماند. در هر حال دریخش پیشین مقاله تاحلوی اشکالات و بهامات ذاتی شعار جمهوری دمکراتیک خلق و جایگاه شوراهای درین جمهوری را لازم گذاشتیم. اکنون دردادمه آن میپذیریم به شوراهای.

خود همین موضوع ناپلید شلن جمهوری دمکراتیک خلق از برنامه عمل نیز حاکی از آن است که برای تاکید و کوین مذاوم روی شوراهای حکومت سورائی اساساً هیچگونه نیازی به این عبارت دست و پا گیر وجود ندارده سهل است، بلون آن راحت تر و محکم تر میتوان درین راستا جلوفت و مضمون و شکل حکومت آلتنتیو را به روشنی بیان کرد. چنین روایی به بیان دیگر و به روشنی حاکی از پایان رسالت جمهوری دمکراتیک خلق و مبین این واقعیت است که این جمهوری نیتواند مضمون عالی مورد نظر مالز حکومت آلتنتیو را برداش نجف خود حمل کند. مظوفی است پیشرو و عالی که باید در ظرف مناسب وزینده خود جاری شود و میشود.

ضرورت ها و شوراهای

تمرکز تبلیغات ما روی شوراهای حکومت سورائی ولو آنکه خود بخود ایزوله شلن جمهوری دمکراتیک خلق راهم دریی داشته است، اما ضرورتش پایان نیافته است. شوراهای حکومت شوراهای پیش از این میباشند مذکور کانون تبلیغات مباشد. تاکید و کوین مذاوم بشوراهای حکومت سورائی نه فقط ازین بابت که جمهوری دمکراتیک خلق شعایری نارسا و کشدار و متعلق به گذشته است ضروریست، ونه فقط به این لحاظ که ماراقدار میسازد شکل و مضمون حکومت آلتنتیو واهداف فوای خود را روشنی وی هیچ ابهامی بیان کنیم ضروریست، بلکه بیویشه به لحاظ نشان دادن و تاکید برآن مسیری که جز از طریق پیمودن آن، هدف نهانی ماکه جدا از هدف نهانی طبقه کارگر نیست، تحقق نخواهد یافت نیز مطلقاً ضروریست. مابای نابودی نظام سرمایه داری، الغاء مالکیت خصوصی و از میان برداشتن نابربریهای اقتصادی و اجتماعی و استقرار سوسیالیسم مازده میکنیم. هدف نهانی ما کمونیسم، محظ طبقات و استشار از طریق بیان انتقام اجتماعی پرولتاریائی است. پیش شرط اینها و پیش شرط انقلاب اجتماعی، همانطور که در برنامه مامن آمد است، دیکاتوری پرولتاریاست. دیکاتوری یکپارچه پرولتاریاگچه در دستور کارفوی انقلاب ایران نیست، یعنی که بلا فاصله پس از سرنگونی جمهوری اسلامی نیتواند مستقر شود، اما اولاً این بدان معنا نیست که مانیستی درین راستان انشاش و حرکت کنیم. ثانیاً این موضوع از روز هم روشن تراست چنانچه انقلاب در جریان بسط و تعمیق خوده این نقطه فرا نزدید، بطور قطع با شکست روپر خواهد شد. سرمایه وارگانهای بورژوازی و لوآنکه در جریان انقلاب ضربات و لطماتی هم خوده باشد، خود را ترمیم نموده به سرکوب خوین کارگران و زحمتکشان خواهند پرداخت و یاری دیگر بساط بورژوازی را بطور کامل دایر خواهند نمود. بنابراین هدف رسیدن به دیکاتوری یکپارچه پرولتاریا و استقرار آن است. حال چگونه ویرسترکدام شرایط و شکل حکومتی میتوان به این نقطه رسید؟

کلیدی ترین مسئله انقلاب همانا قدرت سیاسی است. با سرنگونی جمهوری اسلامی، گفتن ندارد چنانچه قدرت سیاسی، حال تحت هر عنوان و پوشش ویا نهادی، در دست بورژوازی قرار گیرد، چیزی از انقلاب و طریق اولی از فاروی آن به مراحل عالی تر باقی نخواهد ماند. بسط دامنه انقلاب، پیروزی قطبی انقلاب و گذاره دیکاتوری پرولتاریا، یا توقف و درهم شکسته شدن انقلاب، درگو آن است که قدرت سیاسی در دست چه کسی است؟ بنابراین اگر نخواهیم قدرت سیاسی در دست بورژوازی باقی بماند، قبل از هرچیز و همراه به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، میباشند این نهادهایی که بورژوازی و کلیه مرتجلین ازان طریق به اعمال حاکمیت میپردازند اعم از دستگاههای بوروکراتیک - نظامی و یا قضائی و بطورکلی مашین کهنه دولتی را درهم شکسته و داغان کنیم و برویانه های آن دستگاه نوینی که کارگران و زحمتکشان بتواتند مستقیم و بیواسطه اراده و حاکمیت خوش را عالم کنند پی ریزی نماییم. دستگاه نوین دولتی در عین آنکه میباشندی دارای این خصوصیت باشد که بنای دستگاه کهنه و قدمی را تا سنگ و آجر آخر خورد کرده، آنرا زیان

شوراهای بازهم جلو ترمی آیند

هرچقدر شعار جمهوری دمکراتیک خلق نارسا، کشدار و تفسیر برداراست، حکومت سورائی شعایری روشن، صریح و مشخص است. چنین است که شوراهای حکومت تادر تبلیغات و ادبیات سیاسی ما جای بیشتری را بخود اختصاص دهند. شعار نخست اما عکس این روند راطی میکند و گواه این مدعای نشریه کاراست. از تیرماه سال ۶۸ وقی که ما شعار حکومت شورائی را بتنا در دلیل صفحه اول نشریه کار و سپس در صدر آن آورده ایم، عملاً به این پروسه گردن نهاده ایم و اکثر ما آگاهانه از آن استقبال کرده ایم. آنجا توضیح داده ایم که «حکومت سورائی ایده دولت طرز نوین و اعمال حاکمیت مستقیم توهه ای را بیان میکند»، والبته اضافه کرده ایم که «باجمهوری دمکراتیک خلق منطق است» معنداً قائل شدن این انتظاق هم مانع از زوای این عبارت و کمنگ ترشی آن نشده است. و انگهی چه کسی میتواند منکر این حقیقت شود که حکومت شورائی درین ایند دلت طرز نوین، واژه ای بسیار رسا وس توانت است و از این زاویه چنین سروگردان از جمهوری دمکراتیک خلق با تفسیر خاص ما نیز بلند تر است؟ به برداشت من همین مسئله طرح حکومت سورائی و تمرکز تبلیغات ما روی آن، به روشنی براین موضوع دلالت دارد که عبارت جمهوری دمکراتیک خلق دیگر آن کارائی و کاراکتر گذشته راهم ندارد. اگر درگذشته هنگام تبلیغ آلتنتیو حکومتی، محور تبلیغات ما جمهوری دمکراتیک خلق بود والبته در توضیح و تفسیر خود ازین مقوله یعنی از پهلو به شوراهای به مثابه نهادهای قدرت دولتی میرسیم، بعد از این برداشت مستقیم و بوساطه روی هدف اصلی، روی خود شوراهای حکومت سورائی مکث میکنیم.

عبارت جمهوری دمکراتیک خلق، برغم آشنا بودنش، واقعیت این است که رفتی برای بکاربردن ایجاد نمیکند. بیشتر احساس آشناست، انسان با آن احساس غریبه گی میکند و فقط وقتی آنرا تحمل میکند که به حکومت سورائی برگرداند میشود و لاخیر! اگر سال ۶۰ برنامه عمل سازمان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقاری جمهوری دمکراتیک خلق وبا همین عنوان انتشار مییافت والبته همانظر که دیلیم در عمل به جمهوری بورژوا دمکراتیک رضایت میداد، برنامه عمل ما در سال ۷۴ برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقاری حکومت سورائی انتشار می یابد و رسونزی هم از مضمون رادیکال آن کوتاه نمی آید. هنگام مطالعه این برنامه عمل، شما علاوه براین مضمون رادیکال، چنین و چند بارا عبارتها ووازه های صریح و روشنی چون حکومت سورائی، دمکراسی سورائی، حکومت سورائی کارگران و زحمتکشان . . . برخورد میکنید در عرض اما برای نمونه هم که شده حتی یک بار، تاکید میکنم، حتی یک بارهم با آن عبارت کشاده و پهلوی جمهوری دمکراتیک خلق سروکار پیدا نمیکند. اگر در برنامه عمل قبلی، نشریه کار و حتنی در برنامه مجبوریم هر آنی نامی از جمهوری دمکراتیک خلق می آوریم بلا فاصله آنرا معنی کنیم که بفرض جمهوری دمکراتیک خلق (یعنی) جمهوری کارگران و زحمتکشان (یعنی) دولتی از طرز نوین و . . . اینجا، در برنامه عمل کنونی و خلاصه هنگام مطرح ساختن حکومت سورائی، نیازی به این توضیحات نیست. حکومت سورائی آنگونه که ذکرش رفت، تفسیر بردار نیست، بقدر کافی شفاف، صریح و مشخص است. حکومت سوراهاست!

پردازش مینه سری آوردن چنین ارگان های رابکلی محوکور نماید، در عین حال مبایستی از آنچنان پتانسیلی برخوردار باشد که ایس. وظائف دوره انتقال از نظام بورژوازی به سویالیسم بخوبی برآید و راه را طوره مه جانبه بر تحقق اهداف سویالیستی و کمونیستی ما بگشاید.

شوراهای حکومت شورائی همان دستگاه نوینی است که از چنین خصوصیت پیشگیری برخوردار است.

شوراهای وساختار حکومت شورائی از پیش باساختار بورژوازی دستگاه های حکومتی متفاوت و متنضاد است. ذات حکومت شورائی به این است که شالوده دائمی و یگانه قدرت دولت و تمام دستگاه دولتی راسازمان توده ای طبقات تحت ستم سرمایه داری یعنی کارگران و سایر زحمتکشان تشکیل میشوند. در حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان در شوراهای متشکل میشوند. آنان که حتی در دمکراتیک ترین جمهوری های بورژوازی ضمن داشتن حقوق برابر طبق قانون، راه مشارکت شان در زندگی سیاسی و پرخرازی از حق و آزادیهای دمکراتیک به هزاران حقه و نیزگ بسته شده است، در حکومت شورائی، خود ابتکار عمل و اداره امور را بست میگیرند و تمام موانع موجود از شوراهای مشارکت واقعی آنها را بشکسته میشود. در حکومت شورائی توده مردم از این حق و قدرت برخوردارند که هر زمان عملکرد نماینده و یا نمایندگان منتخب شوراهای خویش را مغایر و ظایف تعیین شده تشخیص دادند آناعتل و فردیگری را بجای وی انتخاب کنند. شوراهای همانظر که تاکنون وی تجزیه هم ثابت شده است، فراگیرتر و بهتر از هر نهاد دیگری قادرند کارگران و زحمتکشان را در مبارزه سیاسی بسیج و متشکل سازند، دائمی اقلاب را بسط و گسترش دهند، دشمنان اقلاب را سرکوب کنند و راه را بر فتوحات طبقه کارگرگشایند. فقط سازمان شورائی حکومت است که بالجرای دمکراسی شورائی یعنی دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان، قادر است تمام دستگاه عرض و طبلی بورکاری و دستگاه قضائی بورژوازی را از پرداخته و تمام و تمام آنرا نابود کند. « فقط سازمان شورائی دولت است که میتواند دستگاه بورکاریک و قضائی کهنه بورژوازی را که در نظام سرمایه داری حتی در دمکراتیک ترین جمهوریها، حفظ شده و ضرورتا مبایست حفظ میشود زیرگیرین مانع در راه اجرای دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان بطرکلی است، بیدرنگ متلاشی کنند و طور کامل از میان بردارد. کمون پاریس، نخستین گام دوران ساز را در این راه برداشت. نظام شوروی دومین گام را برداشت» (از سخنرانی لینین در کنگره اول اشتراکویت کمونیستی - تراها و کارش مربوط به دمکراسی بورژوازی و دیکتاتوری پرولتاریا)

از سوی دیگر شوراهای از آنجاکه خود از درون مبارزه کارگری متولد شده اند، برای کارگران و زحمتکشان نه فقط مقوله ای کاملاً شناخته شده است، بلکه بدليل آنکه اندیشه سازمان شورائی اندیشه ای است ساده، به سهولت درمیان پرولتاریا یعنی طبقات بست و قبل ویش از همه مبارزه اجرای دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان پرداخته شوراهای در سرتاسر این میزانه دار متمرکز و آگاه شده است، قبل اجراست. شوراهای در این امر شرط اولیه و زمینه مهی برای آموزش کارگران و زحمتکشان را دارند و همه جانبه فراهم میسازند. شوراهای حکومت شورائی که در آن نقش اصلی و رهبری کنند را طبقه کارگر برعهده دارد - وینین اعتبار اساساً یک حکومت کارگری است - وینابه جلیگاه و موضع طبقاتی خود فقط اولست که میتواند تشریفات پراکنده و عقب مانده زحمتکشان و استمارشوندگان را نیز متحد کند، به سادگی و بطریز کاملاً موثر میتوانند به تسلیح کارگران و زحمتکشان پرداخته، بورژوازی را خلخ سلاح کنند، مقاومت ناکریز آزاده هم بشکند و حکومت کارگری را تحکیم بخشنند. بنا بر این ساختار شورائی حکومت ویادولت، نه فقط قادر است به بینین نحوی تمام دستگاه کهنه بورژوازی را متلاشی سازد، بلکه با استقرار دمکراسی شورائی، زمینه و شرایط مساعدی فراهم میسازد تا پرولتاریا بتواند بمشابه یک طبقه خود را مشکل سازد. شورا یگانه ایزدی است که صلاحیت و طرفیت آنرا دارد تا پرولتاریا را بشتابه طبقه حاکمه مشکل کند تالین طبقه باستواری در راستای استقرار دیکتاتوری یکپارچه خود گام بردارد و حرکت هدفمند و تیجه بخش به سوی سویالیسم و کمونیسم نیز تضمین شود.

«جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان برای انتقال از نظام بورژوازی به نظام سویالیستی و نیز برای دیکتاتوری پرولتاریا نه تنها شکلی از نوع عالی تر موسسات دمکراتیک است (نسبت به جمهوری معمولی بورژوازی که مجلس موسسان بر تارک آن قرارداد) بلکه یگانه شکلی است که میتواند انتقال به سویالیسم را بی در تین نحوی تامین نماید» (لینین - تراها مربوط به مجلس موسسان)

بالاخره در بلطه با شوراهای نکته ای راکه نباید نا گفته گذاشت اینست که جذابت

شوراهای سبب شده است تا اقتشار غیر پرولتاری نیز از شوراهای سخن بگویند و با خود را مدافعت آن بینند. گرایش خود بورژوازی و حتی بورژوازی نیز شوراهایا البته یا صرفاً ب شباهه ارگانهای مشروطیتی، یا نهادهای مبارزه اقتصادی و یا درنهایت همچون منشوبیک ها، شوراهای را به شباهه ارگانهای مبارزه «سازمانهای پیکارجویی» یک طبقه می پنیرند. در مقاطعی حتی می پنیرند که شوراهای ارگان قیام باشند، از این هم فراتر ممکن است «مارکسیست» هایی از نوع کاتوتیسکی بیندا شوند که از نقش قاطع شوراهای در «نبرد کارسویمیه» هم سخن بگویند اما حاضر نمیشوند از این قدمی جلوتر بگذرند و آنچه که به سرانجام این نبردها و موضوع تصاحب قدرت سیاسی میرسد، شوراهای را زکسب قدرت دولتی منع میکنند. در این دیدگاه، شوراهای اجازه دارند با سرمایه قاطعه نبرد کنند، اما نباید واجزه نهادهای مانشین را در هم بشکند. کارگران نمایندگان از شوراهای از این طبقه میشوند که این مبارزه منجر به تسلط بورژوازی شود و نه بیشتر. بعبارت دیگر این گرایشات و درک های انحرافی از شوراهای وجایگاه آن، شوراهایا واحد اکثر تا کنار زدن حکومت خود میبینند و پس از آن همه چیز بدلید به آقایان بورژواها واگذار شود تا خود، دولت و مجلس و پارلمان خود را تشکیل دهند و همان سساط سایق را بپیش کنند.

مارکسیسم اما مبارزه طبقاتی را تابه اخر و تادیکاتوری پرولتاریا و نهی طبقات و استمار به رسیت میشناسد. پیرون مارکس ولنین برآنندگه شورا فقط سازمان پیکارجوی طبقه وارگان نبرد طبقاتی نیست، فراتر از این شوراهای قدرت سیاسی و سازمان دولت است. شورا ابزاری است که کارگران و زحمتکشان میتوانند از طریق آن مستقیماً به اعمال اراده و حاکیمت خود پیدا کنند. واقعیت این است که شوراهای نهادهای خود جوش توده ای اند و از درون کارگران و کارخانه ها و پریایه نیاز مبارزه کارگری برخاسته اند. شورا اگرچه در آغاز و در مراحل اولیه ظرفی بود برای برپایی اعتصابات و هماهنگ کردن آن و در راستای محقق ساختن خواسته های اقتصادی و سیاسی کارگران، اما در جویان تلاوم مبارزه طبقاتی و گسترش مبارزه کارگری این نقش به سرعت تغییر و تکامل یافت و یعنوان یک نهاد قدرت سیاسی لبراز وجود کرد. شوراهایا به گفته لینین (آن نوع دولتی را حیا میکنند که کمون پاریس آنرا طرح میریخت و مارکس آنرا «سراج جام شکل سیاسی کشف شده ای که قادر است رهایی اقتصادی رنجبران را عملی سازد» نماید.) (لینین - وظایف پرولتاریا در اقلاب ما)

نتیجه

نتیجه اینکه هم برای تصفیه حساب قطعی با ناروشنی های مستتر در فرمول بنی جمهوری دمکراتیک خلق، هم برای پیشان دادن به برداشت ها و تغییر ناگیری که طرح این شعار بهمراه دارد و متعاقب آن مارابه ارانه توضیح و تفسیر خاص خود ملزم میسازد، وهم بمنظور تأکید بیشتر شوراهای شباهه نهادهای قدرت دولتی و حکومت شورائی یعنوان یگانه حکومتی که میتواند به بی در تین شکلی انتقال به سویالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا را تامین کند، ضروریست تکلیف خود را بشار کهنه شده جمهوری دمکراتیک خلق یکسره کرده و آنرا بکلی از تبلیغات خود حذف کنیم. وقتی ما قادrim مضامین عالی مورد نظر خود را بی این کشته آنرا در غالب این عبارت کشاند بیزیم، به سادگی و روایی و بهتر و صریح تر از گذشته بیان کنیم، دیگر نباید هیچگونه اصراری به حفظ آن داشته باشیم ولیں محموله اضافی را همچنان با خود حمل کنیم. گفتنی است که این عبارت هم اکنون نیز در عمل از تبلیغات ما حذف ویا تغیریا حذف شده است ولی آنکه هنوز در برنامه ویا در صفحه آخر نشیره کارکلیشه وارتکار میشود. معهداً موقع آن رسیده است که کفرانس آینده در حذف رسمی و قطعی این واژه تصمیم گیری کنند تا جای آن همه جا از واژه رسا و محکم حکومت شورائی شود.

الف - جوادزاده

موج جدید گرانی و پیامدهای آن

فراینده بخود گرفته است. اوضاع زندگی انبوهی از زحمتکشان جامعه به لحاظ اقتصادی به و خامت پیشتری گراینده است و وضعیت معیشتی آنها به سطوح و درجات بازهم پائین تری تنزل یافته است. کسی بفکر دستمزد کارگر، تناسب وبا عدم تناسب آن با نرخ تورم نیست! کسی بفکر سیرشن شکم مردم نیست! کسی بفکر دارو و درمان مردم نیست! هیچکس بفکراین نیست که کارگر وزحمتکش چگونه پایستی هزینه های فراینده و سراسام آورزندگی راتامین کند. دست اندرکاران و سپاهان میزندومی پاشند، مشکل ومسئله ای هم بنام گرانی و افزایش قیمت میکند وروند بطرر کلی واژاووضع اقتصادی تعريف میکند وروند قیمت هاراین «عادی» میخوانند.

ضروری ترین کالاها و مایحتاج عمومی هر هفته وحتی بطرر روزانه درحال افزایش است، مشکل بتوان کالائی راپیداکرد که قیمت آن در هفته آخر هرماه، معادل قیمتی باشد که در هفته اول همان ماه بفروش میرفته است. قیمت اجنس وکالاها، حتی در مقایسه با قیمت یک هفته قبل خود نیز آشکارا افزایش را تشان میلده. از اواسط شهریورماه، موجی از گرانی برسر مواد غذائی وسایر کالاها وخدمات مورد نیاز مردم سایه اذکنده است.

بعنوان نمونه، بهاء شیر خشک درواسط شهریور ماه طبق ارقام رسمی اعلام شده ۸ درصد افزایش یافت، با این همه دراین حد متوقف نشد و داتما درحال افزایش بود تا آنکه در هفته دوم مهرماه بار دیگر ۱۰/۴ درصد نسبت به هفته قبل آن (هفتنه اول مهرماه) افزایش یافت و به ۱۱۸۳ تومان درهقوطی رسید. بهاء تخم مرغ نیز در فاصله همین یکماهه کراوا افزایش یافت. هر شانه تخم مرغ که در اواسط شهریور به ۶۱۰ ریال رسید بود، ابتدا به ۶۵۰ درصد نسبت به سال قبل تر از این افزایش یافته بود، دراین سال نیز که تخم مرغ نیز درهقوطی افزایش یافت، هر شانه تخم مرغ دوم مهرماه به ۶۸۵۴ ریال رسید. آنگاه در هفته اول نیمه دوم مهرماه به ۷۲۰۰ ریال ودهفتنه بعد از آن به ۸۰۰۰ ریال رسید! مرغ که طبق قیمت های رسمی اعلام شده میبایستی کیلویی ۴۷۰۰ ریال عرضه شود، از اوائل مرداد ماه رسما ۱۵ درصد افزایش و به ۵۴۵۰ ریال رسید. هفته اول شهریوریه کنند؟!

توده زحمتکش مردم وقته که حرفاها این آثاریان و دست اندرکاران حکومت اسلامی راکه سالیان متتمادی است به دزدی وغارارت مردم مشغول اند و هیچ گاه طعم گرسنگی، کم غذائی، سرما، بی مسکنی وغیره رانچشیده اند میشنوند، چیزی جز کینه واتجار ندارند که شارشان کنند. همه شواهد وواقعیت های موجود نشان میدهد که افزایش لجام کسیخته قیمت ها ونرخ تورم فاتر از ارقام ادعائی آقایان است. برای نمونه میتوان به افزایش قیمت تخم مرغ از ۶۰۰۰ ریال هر شانه به ۸۰۰۰ ریال اشاره کرد که میبینیم یک افزایش ۳۳ درصدی است ونه ۱۸ درصد آنهم نه در مقایسه باقیمت آن درسال گذشته، بلکه در مقایسه باقیمت یک ماه قبل آن!

پیامد بلاواسطه افزایش قیمت ها

افزایش قیمت ها، معناش کاهش قدرت خرد مردم وافزایش بازهم پیشتر فاصله درآمدها وهزینه هاست،

افزایش قیمت ها معناش تنزل بازهم پیشتر سطح زندگی ومعیشت زحمتکشان است، معناش قروفلاکت پیشتر، محرومیت پیشتر وحذف اقلام دیگری از سفره غذائی مردم است. افزایش قیمت ها نتیجه اش گرسنگی پیشتر، سوء تغذیه کودکان ویزگ سالان، بیماری و تیره روزی آنهاست. تحقیقات بعمل آمده درمورده بررسی سلامت کودکان در ایران نشان میدهد که بین ۷/۵ تا ۳۴/۱ درصد کودکان از نظر وزن با مشکل مواجه اندتا ۲۸/۲ درصد کودکان زیر ۵ سال سوء تغذیه دارند وتا ۴۳/۱ درصد کودکان هیچگاه فرست دست یابی به توانایی های جسمی وکنجایش ذهنی مناسب را بست نمی آورند. علاوه براین تا ۵۳ درصد مردان دچار کم خونی اند و اختلالات ناشی از کمود بی افاده مبتلا به گواتر رقمی حدود ۱۵ میلیون نفر را تشان میدهد.

ارقام فوق که در روزنامه رسالت بچاپ رسیده است البته مربوط به شش سال قبل یعنی سال ۷۰ است که قیمت ها بر اساس پایش تراز قیمت های کنونی بود وقدرت خرد مردم نیز تا این حد تنزل نیافته بود. اگر با درنظر گرفتن افزایش نرخ تورم دراین سالها، به این مستله پرداخته شود واین موضوع در شرایط جلید مورد بررسی قرار بگیرد. روشن است که عمق ودامنه فاجعه بسیار فراتر از این ارقام خواهد رفت. همین روزنامه، براساس یک طرح پیشنهادی از سوی استیتیوی تغذیه و درنظر گرفتن حد اقل میزان مصرف روزانه چند قلم ماده غذائی از قبیل ۲۵ کرم نان، ۱۱ کرم برج ۳۰ کرم جویبات ۱۰۰ گرم گوشت ۴۵ گرم قنوثوکر ۲۲۵ گرم روغن وغیره، حساب کرده است که برمنای قیمت ها در فوردهای ۷۵، یک خانوار ۵ نفره برای تهیه این هاچینین الگوی تغذیه ای بالغ بر ۲۳۰۵۰ ریال فقط بابت هزینه مواد خوارکی بایستی پردازد که با درنظر گرفتن نرخ تورم ادعائی رژیم یعنی همان ۱۸ درصد میشود ۲۸۰۰ تومان! یعنی هر فرد کارگر روزهایش کشی خود و خانواده اش بنماید! حال اگر هزینه مسکن، پوشاش، سوت، آب و برق، دارو و درمان، کرایه، تخصیص فرزندان وغیره وغیره راهم بدان اضافه کنیم، هزینه ماهانه یک خانوار ۵ نفره از صد هزار تومان هم تجاوز میکند. فرد زحمتکشی که در همین حود ۲۸ هزار تومان وبا کمتر از آن درآمد داشته باشد، نه فقط نمیتواند از اس هزینه های زندگی برابد، حتی نمیتواند شکم خود و خانواده اش راهم سیر کند.

دامنه گرانی ها، فقر، نداری وبلبختی آنچنان ابعادی بخود گرفته است که برخی افشار مردم از زور فشارو تنگیستی، اوضاع و خامت بار خود راحتی در روزنامه های رژیم هم منعکس میکنند. یکی جز نان خشک و خالی ندارد که بخورد، نان را آب میزند تاقابل خوردن شود! آن یکی دو فرزندش برای رفتن به مدرسه از یک دست لباس اما در دو شیفت مختلف استفاده میکنند! خانمی که دریکی از مغازه های خیابان مولوی تهران مشغول خریدن تخم مرغ های شکسته مغازه داراست به خبرنگار روزنامه رسالت میگوید «دارای ۷ ساعته ام، بدليل دست تنگی

گاز مایع که ظاهرا میبایستی توسط شرکت های توزيع کننده به قیمت ۱۲۰۰ ریال عرضه شود و دراختیار مصرف کنندگان قرار بگیرد، عملاً به بهاء قیمت تمام شده آن پیشتر است، درصد افزایش ۱۵۰۰ تا ۱۴۰۰ ریال به فروش میرسد و بهانه اینکه بازهم پیشتر آن اند وهم اکنون در بازار آزاد به ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال بفروش میرسد. خلاصه آنکه دست روی هرچیزی که میگذرد کران شده است از کرایه حمل و نقل واجاره مسکن و دارو و خدمات درمانی گرفته تا دان مرغ وعلوفه وکاه و وینجه! همین یونجه از کیلویی ۴۵ ریال به کیلویی ۷۵ ریال وجو، از ۴۵ ریال به ۶۵ ریال رسید وبهاء کاه نیز ۲۰ درصد افزایش یافت!

لین ها همه البته رقم هایی است که در روزنامه های رژیم نوشته شده است وروشن است که هنوزنیاقیت قضايا فاصله دارد. اوضاع واقعی ازین هم و خیم تراست. مردم در فاصله همین دو سه ماهه اخیر و درزندگی واقعی شاهد آن بوده اند که اقام زیادی از اجنس وکالاهای ضروری از ۲۰ تا ۵۰ در صد وگاه حتی پیشتر از این افزایش یافته یا بعیارت دیگر به همین نسبت از قدرت خرد آنها کاسته شده است. درست در چنین اوضاع و خیم وتابسان اقتصادی است که رئیس کل بانک مرکزی ادعا میکند شاخص بهاء کالاها وخدمات درشش ماهه اول سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل فقط ۱۸ درصد افزایش داشته است یعنی نرخ تورم ۱۸ درصد بوده است. ایشان وسایر مدعیون حکومت اولا فراموش میکنند که ذکری از نرخ تورم درسال گذشته بیان آورند ونمی گویند که این تورم در صدی ادعائی کنونی، درواقع یک نرخ مرکب است، یعنی قیمت های درشش ماهه اول سال جاری (۷۶) درصد نسبت به سال قبل ۲۵ درصد یافت و به ۱۱۸۳ تومان درهقوطی رسید. بهاء تخم مرغ نیز در فاصله همین یکماهه کراوا افزایش یافت. هر شانه تخم مرغ دوم مهرماه به ۶۸۵۴ ریال رسید. آنگاه درهقوطی اول نیمه دوم مهرماه به ۷۲۰۰ ریال ودهفتنه بعد از آن به ۸۰۰۰ ریال رسید! مرغ که طبق قیمت های رسمی اعلام شده میبایستی کیلویی ۴۷۰۰ ریال عرضه شود، از اوائل مرداد ماه رسما ۱۵ درصد افزایش و به ۵۴۵۰ ریال رسید. هفته اول شهریوریه ۵۷۰۰، هفته دوم ۶۳۰۰، هفته سوم ۶۹۰۰ ریال رسید که این روند افزایش هفته سوم شهریوریه بعد نیز همچنان ادامه یافته است. گوشت گوسفند و گوساله نیز از کیلویی ۱۱۰۰ ریال به ۱۳۰۰ واز ۱۰۰۰ ریال به ۱۲۰۰ ریال افزایش یافت. بهاء روغن نباتی، کره و شیر پاستوریزه، پنیر وسایر مواد غذائی نیز به همین ترتیب افزایش یافته است.

افزایش سراسام آور قیمت ها، منحصر به مواد غذائی نیست قیمت بسیاری از کالاهای دیگر نیز چنین روندی را طی کرده است. دفترچه صد برگ کوچک ۳۰۰ تومان است اما اگر کمی بزرگتر باشد و ۲۰۰ برگ داشته باشد، ۱۸۰۰ تومان! نفت که میبایستی لیتری ۴۰ ریال توزیع شود، عملاً لیتری ۸۰ تا ۱۰۰ ریال توزیع میشود. درآستانه فصل سرما، توزیع سیلندرهای گاز مایع نیز دچار اختلال شده و به قیمت های قبلی عرضه نمیشود. سیلندر ۱۱ کیلویی

تلاش رژیم برای گسترش شبکه های اطلاعاتی و جاسوسی در خارج کشور

و آمد دارند، فعالین سیاسی را در محل زندگی خود می شناسند و می توانند به هر کس و هر جانی دسترسی داشته باشند، افرادی را وادار به همکاری با خود نمایند.

بدهی است که برخی از عناصر سمت بویژه کسانی که دیگر هیچگونه علاقه ای به جنبش و مبارزه برای برافکنید حکومت ندارند، هم اطلاعات خود را در اختیار مامورین بازجوئی و اطلاعاتی رژیم قرار می دهند و هم حاضر به همکاری با آنها می شوند.

گزارش های موجود حاکی است که رژیم برای پیشبرد برنامه های خود می کوشد از نیروهای مختلف استفاده کند. افرادی که هنوز ظاهرا به لحاظ سیاسی فعل اند، کسانی که فعالیت سیاسی را کنار نهاده و یا بشکلی حاشیه ای در جنبش حضور دارند، و بالاخره افرادی که اصلا به مسائل سیاسی کاری ندارند، نمونه هایی هستند که رژیم تلاش نموده است ، همکاری آنها را بست آورده. بین منظور از شیوه ها و ابزارهای مختلف نیز استفاده می کند. از زندان و بازجوئی و تهدید گرفته، تا تطمیع و تشویق برای جلب این همکاری استفاده کرده است.

لذا کاملاً روشن است که رژیم برای پیشبرد برنامه های خود علیه سازمانهای سیاسی و کلا نیروهای مختلف یک برنامه دراز مدت و اساسی را در دستور کار قرار داده است و درین زمینه در تلاش است بویژه شبکه اطلاعاتی و جاسوسی خود را با نیروهای بومی در خود محیط سازمان دهد.

باشد با هوشیاری این تلاش های ارتجاعی رژیم را خشی کرد و اجازه نداد که رژیم بینظیر ضرباتی به نیروهای مختلف وارد آورد.

دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، تلاش وسیعی را برای کسب اطلاعات در مورد فعالین سیاسی مختلف رژیم در خارج از کشور و ایضا سازماندهی یک شبکه اطلاعاتی و جاسوسی گستره آغاز نموده است .

البته تیاز به گفتن نیست که در گذشته نیز رژیم ، هم می کوشید اطلاعاتی در مورد فعالین سیاسی مختلف حکومت، محل زندگی و رفت و آمد آنها و کلا اطلاعاتی که به درد اجرای برنامه های ترویریستی رژیم بخورد، بدست آورده و هم لین که شبکه های اطلاعاتی و جاسوسی خود را در کشورهای مختلف گسترش دهد. معهوداً آنچه که تلاش های اخیر رژیم را از فعالیت های گذشته آن در این زمینه متمایز می سازد، این است که اکنون می کوشد، اولاً این اطلاعات رالساساً از کسانی بدست آورده که خود به نحوی در جریان فعالیت های سیاسی قرار دارند و شناخت آنها از فعالین سیاسی مختلف رژیم تقریباً زیاد است. ثانیاً شبکه اطلاعاتی و جاسوسی خود را نه از خارج از محیط بلکه از درون آن گسترش دهد، تا بهتر و سریعتر بتواند به اطلاعات و اهانت خود دست یابد. دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی رژیم پیشبرد این هدف برنامه را از طریق افرادی که به ایران رفت و آمد می کنند، عملی می نماید. مطابق کاراشات موشق، دستگاه اطلاعاتی رژیم اخیراً با پیکری پیشتری افرادی را که بین ایران و بولیه کشورهای اروپائی در رفت و آمد هستند، مورد بازجوئی قرار می دهند و می کوشند اولاً - اطلاعات دقیقی از آنها در مورد فعالین سیاسی و سازمانهای سیاسی مختلف حکومت بدست آورند. اما این کسب اطلاعات تنها یک جنبه از تلاش های رژیم است. تلاش مهم تر او این است که از میان همین افراد که در مراکز سیاسی رفت

موج جدید گرانی و پیامدهای آن

برای تامین مواد غذایی فرزندان خود ناچارم ارزان ترین کالاها را خریداری کنم که البته به گفته صاحب مغازه همین تخم مرغ های شکسته نیز اخیراً گران شده است» (رسالت ۲۱ مهر ۷۶) فرد بیگری به روزنامه سلام مینویسد، ۲۸ هزار تومان اجاره خانه میهم و ۵ سر عائله دارم !!

درچین اوضاع دهشت باری است که دولت جمهوری اسلامی از اوضاع اقتصادی تعريف میکند. وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی اش از بهبود و دستاوردهای اقتصادی صحبت میکند و جانب رئیس جمهور جدید نیز دربرخورد به گزارش آنها، روند قیمت ها را (عادی) خوانده میفرماید باید امکانات لازم جهت سرمایه گذاری دریخش تولید با «سود معقول» فراهم شود! علاوه بر این، آقای خاصی در نشست «ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار» که ۲۷ مهر برگزار گردید والبته به قصد شیره مالین برسر مردم، طبق معمول از کاریست الفاظ و کلمات تو خالی نیز دریغ نکرد و بادکر اینکه سیاست های اقتصادی باید بگونه ای باشد که کمترین فشار بر اقشار کم درآمد وارد گردد، سروته قضیه گرانی های اخیر راهم آورد!

سیاستهای اقتصادی اما همان سیاستهای گذشته است که تباش را تهدید زحمتکش مردم با پوست و گوشت خود لمس کرده اند. بیشترین فشارها نیز برداش اشتار کم درآمد قرار دارد و این ها درزیر بار گرانی و تورم و فشارهای اقتصادی له شده اند و برای چین حرف هایی حاضر نیستند حتی تره هم خورد کنند. مردم به چشم خود دیده اند و به تجربه دریافتنه اند که با وجود جمهوری اسلامی، تعویض افراد و رؤسا، هیچ تغییری به نفع آنها ایجاد نمیکند و هیچ چشم اندازی شاید هنوز هم سعی اش ییر آن است تا با افاظ و کلماتی تواخالی جامعه را درانتظار نگاهدارد و سحر کلام؛ مردم را افسوس کند! الفاظ و عده های تو خالی اما هیچیک نه برافایش قیمت ها لگام میزند و نه به سیر شلن شکم مردم کمک میکند. شش ماه بعد از روی کار آمدن خاتمی، همکان شاهنشدنکه هیچ گرهی از مشکلات علیه مردم گشوده نشده است و نمیتوانست هم بشود.

درانتظار نگاهداشتن بی شمر مردم دریشت درهای که به رویشان باز نمیشوند و نمیتوانند باز شوند مگر به اراده خود آنها، اما بی صبرانه آنها را به سوی طغیان و انفجار میکشانند. کارگران و زحمتکشان برای مقابله با خامت پیشتر اوضاع، راه دیگری ندارند جز آنکه رژیم جمهوری اسلامی را براندازند، شوراهای خوش را پیا کنند و بتکار عمل رادردست گیرند و مطلع عظیم اقتصادی و شروت های اجتماعی را در خدمت توده زحمتکش مردم و رفاه آنها قرار دهند



اعلام حکومت سوراهای توسط لنین

یک جنبه از توحش و بربیت در نظام سرمایه داری

هر لحظه اراده کنند، کارگران را اخراج می نمایند. بی جهت نیست که علیرغم تبلیغات دروغین سرمایه داران و قریانی نمودن کارگرانی که به ناچار و برای گذران زندگی به این نوع کارها تن می دهند، کار سیاه از رشته های رو به رشد و مقرون به صرفه است. توحش و بربیت حاکم در کار سیاه را می توان در شرایط کار زنانی که در جزایر متروکه فیلی پیش به بردگی کشیده شده اند، آشکارا مشاهده کرد. زنان کارگر توسط دلالان به صاحبان صنایع فروخته می شوند، به جزایر خالی از سکنه برد می شوند و در دخمه های تنگ و تار تولیدی محبوس می شوند و تنها انتخابی که در برپارشان قرار دارد، انتخاب بین کار طاقت فرسا و مرگ است. کوکان نیز دسته دیگری از قریانیان را تشکیل می دهند که پس از خردشان، توسط سرمایه داران زالو صفت در تعریف معادن، تونلهای کارگاههای تولیدی به کار واداشته می شوند.

با این وجود باز این کارگران اند که علاوه بر جان کنند در وحشتانک ترین شرایط، یک بار دیگر نیز به پهنه «کار غیر قانونی» و سیاه جرمیه می شوند، اخراج میگردد و حتی به زادگاه خود بازگردانده می شوند. نظام سرمایه داری که اساس اش بر چاول و استثمار است با ایجاد کارهای سیاه، ضمن حاکم نمودن توحش وی حقوقی محض، نیروی کار ارزان و مطیعی را به کار می کارد و گاه حتی در هیئت، نیروی اعتصاب شکن به خدمت می گیرد. گاه دلالان و زالوصفتان را فرا می خواند، تا آنها را از نقطه ای به نقطه دیگری منتقل نمایند و به کار گیرند و گاه نیز گروه گروه آنها را دیبورت می نایند.

وظیفه تمامی انسانهای آزاده و انقلابی و اتحادیه های کارگری است که از حق کار کردن و برخورداری از مزایا و حقوق کار برای این دسته از کارگران دفاع نمایند.

با کمکهای مالی خود

سازمان فدائیان (افلیت)

را یاری رسانید



اعتراض کارگران اوتومبیل سازی در کره جنوبی

بیش از ۲۲ هزار کارگر کارخانه اوتومبیل سازی «کیاموتورز» در اعتراض به تعطیل این کارخانه، روز ۲۹ سپتامبر دست به یک اعتراض دو روزه زدند. کارخانه مزبور از ماهها پیش، از پرداخت دستمزد کارگران، به بهانه ورشکستگی سریاز زده است و هم اکنون دهها هزار کارگر در آستانه اخراج قرار دارند.

اعتراض کارگری در اسرائیل

بنیال به بن بست رسیدن مذاکرات اتحادیه های کارگری اسرائیل با دولت این کشور، روز ۲۸ سپتامبر بیش از نیم میلیون کارگر در اسرائیل دست از کار کشیدند. این اعتراض که به دعوت اتحادیه کارگری Histadut بريا شده بود، در اعتراض به کاهش بیمه درمانی و بیمه بازنشستگی بود. دولت اسرائیل با کاهش ۱۵۸ میلیون دلار از محل هزینه خدمات اجتماعی در بودجه لین کشور، حمله وسیعی به سطح رفاه کارگران را سازمان داده است. نزد بیکاری در اسرائیل ۸ درصد و نزد تورم ۱۰ درصد می باشد.

کارگران در جمهوری دومینکن: (کارو زندگی بهتر)

طی ماههای سپتامبر و اکتبر سال جاری، جمهوری دومینکن شاهد اعتراضات و اعتراضات وسیع کارگری علیه فقر و فلاکت بوده است. روز ۲۷ سپتامبر، دهها هزار تن ضمن راه پیمایی در شهر Dajabon خواهان کار و مسکن شدند. تظاهر کنندگان همچنین به دولت اولتیماتوم دادند تا نسبت به احداث و تعمیر جاده و مدارس، اتفاقات فوری به عمل آورد.

طی ماه اکتبر نیز تظاهراتها و اعتراضات وسیعی در شهرهای مختلف برگزار شده است که غالبا با حمله وحشیانه نیروهای سرکوبگر توان بوده است. درین درگیریها صدها تن مجروح شده اند.

اعتراض کارگران کشاورزی در زیمبابوه

بیش از ۱۵ هزار تن از کارگران کشاورزی در زیمبابوه، روز ۱۷ اکتبر سال جاری در سراسر این کشور به منظور افزایش دستمزدها، دست از کار کشیدند. آنها با سنگر بنده در مراکز شهرها و مدخل اقتصادی، از تردد و سائط تقیله جلوگیری نموده و دست به راه بنده زندن زدند. پیش ضد شورش با اعزام نیروهای ویژه سرکوب و هلی کوپتر، از زمین و هوا اعتضایی را مورد حمله قرار داد. درین درگیری صدها تن مجروح و قرب به ۲۰۰ دستگیر گردیدند.

اطلاعیه

طبق اخبار و اطلاعات انتشاریافته ازسوی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) شش تن از فعالین پیشمرگان ولیسته به این سازمان که از ملتی قبل توسط نیروهای اتحادیه میهندی کردستان عراق دستگیر شده بودند، همچنان دریازداشت سر میبرند. برغم درخواست های مکرر نیروهای انقلابی، مبنی بر آزادی آنها، اتحادیه میهندی کردستان دراستای خوش خدمتی هرچه بیشتر به جمهوری اسلامی تاکنون از این مستله امتناع نموده است. ما این اقدام اتحادیه میهندی کردستان عراق راکه درادمه سیاستهای گشته این جویان محسوب میشود، وصولا هراقدامی راکه بخواهد بسرراه مبارزه نیروهای انقلابی با جمهوری اسلامی مانع و محدودیت ایجاد نماید، قویا محکوم میکیم و خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان هستیم.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۶ / مهر / ۴۴

۹۷ / اکتبر / ۱۹

سیاستهای ضد پناهندگی رامحکوم میکنیم !

صلها هزار پناهجوی ایرانی دراقصا نقاط جهان از جمله درکشوارهای اروپائی و درکمپ های پناهندگی سرگدان ویلاشکلیف اند. دولت های اروپائی دربرخورد به مسئله پناهندگی مثل هر موضوع دیگری، همواره ارزاییه منافع خوبش پرخورد نموده و چه بسا برس جان وزندگی پناهجویان با رژیم های بغایت مرتعج و سرکوبگر نیز معامله کرده اند.

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی بعنوان رژیمی سرکوبگشناخته شده است و بخارط اعمال سیاستهای توریستی اش، از جانب محافظ و سازمانهای بین المللی منافع حقوق بشر مورد قبول این دولت ها نیز کراوا محکوم شده است، معهذا بسیاری از این ها، از جمله دولت هلند، حقوق پناهندگی را تایید گرفته و کتوانسیون های بین المللی را زیر پا نهاده اند و درکمال بی شرمی به بهانه «امن» ! دانستن ایران، از پنیش پناهجویانی که دراشر سیاستهای سرکوبگرانه ارجاع حاکم برایران به ناگیر کشور را ترک نموده انسریاز میزنند، پناهجویان را منتهای مدلی که دریاشکلیفی نگاه میدارند، آنها را جبس و گاه حتی برغم خطراتی که درانتظار آنهاست به ایران عودت میدهند!

ماضمن محکوم نمودن کلیه اقتامات و سیاستهای ضد پناهندگی، خواستار آئیم که حق تمامی پناهجویان، منجمله پناهجویان ایرانی به رسمیت شناخته شود در اسرع وقت به درخواست پناهندگی آنها رسیدگی شود.

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۷۶ / مهر / ۴۴

۹۷ / اکتبر / ۱۹

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری

که کنگره اتحادیه های اسکاندیناوی در بیوتیبوری تشکیل گردید، این کنگره ها بطور منظم برگزار گردید و مناسبات تزیکی میان آنها برقرار بود. اتحادیه های کارگری در هلند و سوئیس نیز حدودا در همین مقوله قرار داشتند.

ادامه دارد

منابع:

- ۱- تاریخ سه انترناسیونال، جلد اول، ویلیام فاستر
- ۲- تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای جهانی، ویلیام فاستر
- ۳- جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم
- ۴- تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای، ویلیام فاستر
- ۵- تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای، ویلیام فاستر
- ۶- جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم
- ۷- تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای جهانی
- ۸- جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم
- ۹- تاریخ مختصر جنبش اتحادیه ای جهانی
- ۱۰- جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم
- ۱۱- جنبش بین المللی طبقه کارگر، جلد دوم

زنده باد سوسیالیسم

اخباری از ایران

ذغال سنگ کرمان مشغول بکارند و در تیجه از مزایای کارگران رسمی بکلی محروم اند، در نامه خود از جمله چنین نوشتند: «ماکارگران قراردادی روزمزد شرکت ذغال سنگ کرمان که با سوابق بیش از ده سال در سخت ترین شرایط کاری در معادن این شرکت مشغول بکارهستیم نسبت به کارمندان رسمی شرکت مذکور حقوق کمتری دریافت میکنیم و تحمل این وضع با توجه به مخارج سنگین زندگی برمیان بسیار دشوار است»

■ انفجار در تاسیسات پتروشیمی مسجد سلیمان

انفجار در تاسیسات پتروشیمی باردیگر فاجعه آفرید. بعلت نشت گاز در تاسیسات پتروشیمی مسجد سلیمان و شبهه کازی آن، روز یکشنبه ۲۷ مهرماه، انفجاری رخ داد که در اثر آن حداقل ۴ تن کشته و ۲ نفر به سختی مجروح شدند. نماینده مسجد سلیمان در مجلس ارتجاع روز بعد از حادثه اعتراض کرد که فرسودگی تاسیسات و شبهه کازی موجب نشت گاز در اثر اعمال کاری مسئولین به بروز این حادثه منجر شده است.

حوادث ناشی از کار، هر روزه جان کارگران رامیگرد و یا آنها مطلع میکند. یک روز انفجار معدن و کشته وزخمی شدن کارگران، یک روز آتش سوزی درپالایشگاه اراک و کشته وزخمی شدن کارگران، یک روز انفجار درپتروشیمی مسجد سلیمان و کشته و مجروح شدن کارگران و . . . کارگران در همان حال که در سختترین شرایط بکار مشغولند و توسط سرمایه داران و حشیانه استشار میشوند، هیچگونه امنیتی در حین کار ندارند. در کارخانه ها، کارگاهها، معادن، تاسیسات نفتی و پتروشیمی، استانداردهای بین المللی اینمی محيط کار مطلاقاً رعایت نمیشود و هر ساله دهها هزار کارگر قیانی مطامع سرمایه داران میشوند. مسئول تمام این جنایات، سرمایه داران و دولت حامی آنهاستند که با خاطر کسب سود بیشتر این سازی محیط کار طفره میروند.

■ مخالفت کارگران شرکت پخش پوشک

به شرایط بازخريد

شرکت پخش پوشک تهران وابسته به بنیاد مستضعفان از مدتها پیش، به فروش ماشین آلات و وسائل تولیدی دست زده و اخیراً نیز فروش شرکت را به مزایده گذاشته است. با فروش شرکت فوق ۱۱ کارگر که غالباً بیش از ۲۰ سال سابقه کاردارند، اخراج میگردند.

هیئت ملیه شرکت، پرداخت یک ماه حقوق در سال و بازخريد کارگران را طرح نموده که این امر با مخالفت کارگران روپوشده است.

■ آمار اوضاعات غیر واقعی بیکاری

جمهوری اسلامی همواره با ارائه آمارهای تحریف شده، سعی درینهان داشتن گستردگی بیکاری داشته است. این یار تحریف آمار وارقام بیکاری در کردستان، آندراغران آمیز بوده که استاندار رواه ارساخته تالب به سخن بگشاید. عبدالله زاده استاندار کردستان طی مصاحبه ای ضمن اشاره به آمارهای ارائه شده پیرامون کاهش رخ بیکاری در کردستان خواسته است تا از این پس استخراج و تنظیم آمار در کمیسیون های ویژه ویاظارت مسئولین و تیم های ویژه صورت گیرد.

ما راه انقلاب اکبر را ادامه خواهیم داد

دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم به دولت نیاز دارد و دولت این دوران چیزی نیست مگر دیکتاتوری پرولتاریا. انقلاب سوسیالیستی اکبر در روسیه، به شکلی کامل تر و جامع تر از تجربه پرولتاریا پاریس و موجودیت کمون پاریس نشان داد که در عین حال این دولت نمی تواند چیزی همانند دولت بورژوازی با یک دستگاه نظامی و بوروکراتیک مجزا و مافق مردم باشد. در جریان انقلاب اکبر پرولتاریا تمام دستگاه دولتی بورژوازی را درهم شکست و یک دولت نیز، دولت شورائی را سازمان داد و همان اصولی را معمول داشت که مارکس از جمعبندی کمون پاریس به آنها دست یافته بود.

انقلاب سوسیالیستی اکبر نقش و اهمیت حزب مستقل طبقاتی پرولتاریا را که دارای برنامه، استراتژی و تاکتیک های مشخص است، برای رهبری طبقه کارگر در جریان نبردهای طبقاتی و تحقق اهداف و آرمانهای طبقه کارگر نشان داد.

انقلاب سوسیالیستی اکبر و ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تاثیرات مسلم و غیر قابل انکاری پرتوخواه اوضاع جهانی به نفع طبقه کارگر جهان، ملت های اسیر و دریند، تحقق مطالبات رفاهی و دمکراتیک کارگران و زنان در کشورهای سرمایه داری، رشد جنبش های کارگری و رهانی بخش، و رشد انقلابات کارگری برجای گذاشت.

عظیمت انقلاب سوسیالیستی اکبر، نقش و اهمیت آن، تاثیرات و نتایج جهانی آن، بسی فراتی از آن چیزیست که به آنها اشاره شد. لذا همانکنونه که گفتیم شکست این انقلاب چیزی از اهمیت و عظمت این انقلاب نمی کاهد. این انقلابی ستگ، تحت رهبری کمونیستهای بر جسته عصر ما، بشویکهای روسیه و در این انتها لینین اتحام گرفت. لذا ما برداشت آوردهای افتخار آفرین این انقلاب ارج می نهیم. مأخذ را ادامه دهنده راه و آرمانهای این انقلاب می دانیم.

برغم تمام تبلیغات عوامگرانه بورژوازی و علیرغم شکست انتقام اکبر، امروز کاملاً روشن است که بشریت برای نجات از شر فجایع نظام سرمایه داری راه دیگری، جز راه انقلاب سوسیالیستی اکبر ندارد و البته روشن است که این راه این بار بدون اشتباها و انترافات گذشته از سر گرفته خواهد شد. جهان سرمایه داری هیچ چشم اندازی ندارد. این جهان در بن بست لایحه و تضادهای علاج نپذیر دست و پا می زند.

مصطفی کمایی که این نظام به بار آورده روزیروز بیشتر می شوندو با گذشت هر روز بخش وسیع تری از کارگران و زحمتکشان متقاضع می گردند که برای شکست بن بستی که نظام سرمایه داری پیدید آورده و برای حل تضادهای موجود و رهانی از قید ستم و استثمار سرمایه داری و مصائب آن، راه دیگری جز راه اکبر، یعنی انقلاب سوسیالیستی وجود ندارد.

انقلاب سوسیالیستی اکبر نشان داد که طبقه کارگر برای آنکه بتواند وظائف انقلابی خود را انجام دهد و انقلاب اجتماعی را به فراموشاند، لاجرم باید خود را به صورت طبقه حاکم سازمان دهد، و دیکتاتوری طبقاتی خود را اعمال نماید. یا به عبارت دیگر پرولتاریا در

گزیده ای از نامه های رسیده

* از پاکستان دوست عزیز ما (م) نامه ای فرستاده اند که در آن، ضمن قدردانی از ارسال منظم نشریه کار و طرح مطالبی در زمینه تغییر نام سازمان، سوالاتی نیز درباره موضع سازمان در مقابل سازمان مجاهدین خلق وایجاد یک آلترا ناتیو نیرومند از نیروهای چپ مطرح کرده اند. ابتدا بخش هایی از این نامه را باهم مطالعه میکنیم و بعد میبراییم به سوالات. در نامه چنین میخواهیم «(ضمن تشكروقدانی فراوان از ارسال منظم نشریه کار برای من، باید اذعان دارم که در این تنهایی و انفعال پاکستان، تنها وسیله وعامل گرمی بخش ماهمان مطالعه نشریات ارسالی شماست ویا بعثت وصل واطلاعمن از جنبش وانقلاب وانقلایون میباشد.

دوستان وقتی که نشریه کار را زیرنویس ارگان سازمان فناوریان (اقلیست) دیلم باید اعتراض کنم که واقعاً یکه خودم ولی پس از چندی با مطالعه شماره های بعدی ولالتل شما در جواب انتقادات دوستان و هواداران صادق سازمان، برایم چیزی معمول وقابل پنیرش آمد هرچند که عشق و علاقه به نام اصلی و آنم پرافتخار چیز دیگریست ولی بنظر من تعقل و تفکر هیچوقت تباید جای خود را تعصب و دگم انتیشی واحساسات دهد، یا بعاراتی دیگر باید حکم منطق ورونده اصولی و تکاملی انقلاب را پنیرفت و مرحله به مرحله آنرا با تمام وجود در کرد و تحت هر شریط، منطبق با آن اوضاع تحليلى مشخص رالائمه نمود پس من نیز همراه شما وسایر دوستان صادق انقلاب کارتان را بعنوان یک روند دیالکتیکی می پنیرم»

واما در مردم سازمان مجاهدین که از محتوای نامه چنین بنظر میرسد که هنوز ابهامات و تراوشنی هایی برای نویسنده نامه وجود داشته باشد، بایستی باطلاع لیشان برسانیم که نه سازمان مجاهدین خلق همان سازمانی است که ۱۶ سال پیش و قبل از آن بود، ونه موضع ما در مقابل آن بهترین منبع برای دریافت موضع سازمان در مقابل سازمان مجاهدین نشریه کاراست. در این زمینه مقالات متعددی در نشریه کارآزموده در شماره های ۲۹۲، ۲۷۷، ۲۷۲، ۲۶۹، ۲۶۱، ۲۵۵، ۲۲۸، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۱۶، ۲۱۴، ۲۱۱، ۲۱۰ و ۲۰۱ و بچاپ رسیده است که مطالعه آنرا به این دوست عزیز توصیه میکنیم. در اینجا همینقر کافی است اشاره شود که سازمان مجاهدین، جوانی است بورژوازی و از منافع بورژوازی دفاع میکند. این جوان مدافعان حفظ نظم سرمایه داری و برچار ماندن نهادهای اجتماعی بوروکراتیک است. این سازمان مخالف هرگونه تحولات انقلابی دموکراتیک و ضد امپرالیستی و در عداد «نهضت آزادی» است و ماهیتی ضد انقلابی است. وظیفه نیروهای انقلابی است که ماهیت دروغین دمکراسی و آزادیخواهی آن را افشاء کنند.

سؤال شده است که «جزاپاسیر نیروهای چپ موجود فعلی در صدد بوجود آوردن یک آلترا ناتیو قوی و صاحب اقتدارانی باشیم» دریاسخ باید گفت که در این راستا از سوی جریانهای مختلف چپ انقلابی کم و بیش تلاشهایی وجود داشته است. مانیز به سهم خود کامهای کوچکی در این راستا برداشته ایم، معنداً بایستی اعتراض و اذعان کرد که این تلاشهای وگامها به هیچوجه کافی و با پاسخگوی مسئله نبوده است و دست کم آنکه بعمل مختلفی که بحث آن در این ستون نمی کنجد، تاکنون بجای نرسیده است.

ما معتقدیم که نیروهای چپ و انقلابی میباشند بطور آگاهانه در این راستا حرکت کنند.

شود.

* از آلمان دوست عزیزی بنام (ب) مطلبی تحت عنوان «به بیانه کنگره اخیر آذربایجان در آمریکا» برای مافستاده اند. از اینجا که روشن نبود لین مطلب آیا بمنظور درج درستون مباحثات ارسال شده است یانه، در اینجا مختصراً به ذکر کاتی ازان بسته میکنیم. در مطلب ارسال شده، از جمله به پرنگ ترشدن گرایشات ناسیونالیستی و ارجاعی بعد از فوپاشی «دیواربریلین» اشاره شد است. علاوه بر آن در مطلب ارسالی، به تعبه برخور و حركت از زایه منافع پولوتاریا به مسئله خلق های نیز گفته شده است کلی بعمل آمده است و در اینجا نیز گفته شده است «منطقه ای چون آذربایجان با آن تاریخچه بسیار طویل مبارزاتی - کارگری و دارای پیشوترون افشار کارگری، بالقوه وبالفعل از نقاط حساس ایران - از این لحظه در انقلاب آنی خواهد بود و حتی میتوان از این زایه نیز طرح فدراتیو رانیز در این مرحله به عنوان یک طرح ارجاعی زیر تقد گرفت و از آنده شده این طبقه به این توهمند جلو کیری کرد».

در اینجا شاید لازم باشد خطاب بآن دسته از رفقا و دوستانی که اینجا میخواهند طلبی دارای درج درستون مباحثات نشریه کاربری نمایند، این نکته را تذکر دهیم و از آنها بخواهیم که ضمن رعایت ضوابط حاکم برای درج مطلب در این ستون از جمله حجم مقاله، قید کنند که مطلب تهیه شده برای درج درستون مباحثات ارسال شده است.

مدرسه دیگری منتقل شده بودند، بلون آنکه اطلاعی به داشت آموزان واپس آنان داده شود.

شما ای انتخابات رئیس و مشتری نمونه خواهار

جمهوری اسلامی در تقلب و شارلاتانیسم، حقیقتاً که رژیم نمونه ای است. اگر آقای ولی فقیه زمانی اراده کند که فرض در این انتخابات ۳۰ میلیون رای در صنف های ریخته شود، کارگران حکومت اسلامی بایستی تمام هوش و حواس خود را بکاربرند تا هر تقدیر شده همان ۳۰ میلیون رای شمارش شود. حال اگر این مهم قرار است با دو برابر کردن واجلین شرایط رای دادن هم تامین بشود، این حضرات، با یک دستکاری جزئی و بالته میتوان این هدف را بآورده میسازند. جدول زیر که در نشریه «عصرما» نیز بچاپ رسیده است، شممه و نمونه ای از دستکاریهای جزئی جمهوری اسلامی را در این زمینه نشان میدهد.

خبری از ایران

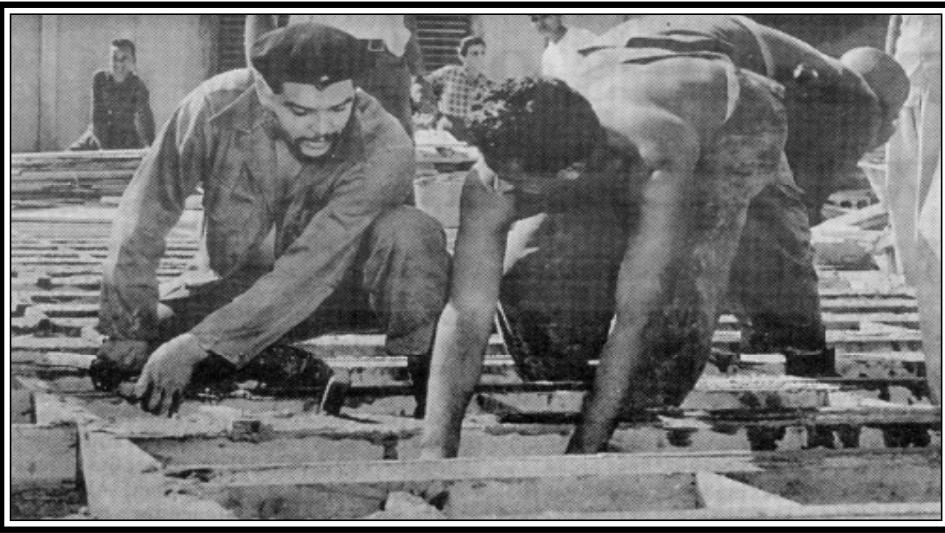
پیکاری در سیستان و بلوچستان

طبق آمار منتشره از سوی استانداری سیستان و بلوچستان، تعداد بیکاران در این استان ۷۰ هزار تن شده است. لین کمک در حالی است که سالانه ۴۵۰۰ تن بر تعداد بیکاران افزوده میگردد.

آوارگی ۸۰ دانش آموز

در اولین روز سال تحصیلی، ۸۰ دانش آموز دخترکه در مدرسه راهنمایی قلس در منطقه ۹ تهران ثبت نام کرده بودند، از حضور در کلاس درس محروم و در خیابان سرگردان شدند. این عدد که از ملتها پیش نام نویسی شده بودند، بعلت تراکم جمعیت در مدرسه و کمبود امکانات آموزشی و کلاس درس، به تضمیم آموزش و پرورش منطقه، به

وضعیت آراء	جمعیت واحد حق رای	آراء شمارش شده	میزان مشارکت	میزان تقریبی آراء مشکوک
اردل	۳۲۷۸-	۴۱۲۶۱	%۱۲۹	۱۴۰۰
الیگودرز	۷۱۰۳۲	۷۷۰۶	%۱۰۸	۱۸۰۰
بافت	۶۵۵۷۳	۹۴۹۹۱	%۱۴۵	۴۰۰۰
پلدختر	۳۷۲۱۴	۶۹۲۴۹	%۱۸۶	۳۸۰۰
خرم آباد	۲۵۸۴۷-	۲۱۸۸۵۹	%۱۲۳	۱۰۳۰۰
خراف	۴۶۰۱۵	۵۱۰۷۵	%۱۱۲	۱۳۰۰۰
دلغان	۶۴۱۵۹	۹۵۰۴۷	%۱۴۸	۴۲۰۰۰
سلسله	۳۷۰۳۳	۶۴۸۸۳	%۱۷۵	۳۴۰۰۰
کردکوی	۶۷۸۵۳	۷۱۲۹۴	%۱۰۵	۱۴۰۰۰
کوهدشت	۹۶۷۷۷	۱۰۴۲۳۸	%۱۰۸	۲۴۰۰۰



چه گوارا جاودا نه شد

با همین روحیه و نگرش بود که او حتی هنگامی که در سمت وزیر به انجام وظائف انتقلابی خود مشغول بود، در تلاش برای بپارانی کاتونهای جنگ انتقلابی بویش در آمریکای لاتین و آفریقا بود. تلاش او در این زمینه تابدنجا پیش رفت که گاه به عدم توجه به شرایط عینی و قانونمندی های تکامل مبارزه و جنبش انتقلابی و بالنتیجه به شکست می انجامید. چرا که او معتقد بود در جریان تحول جنگ پارتیزانی، شرایط عینی لازم فراهم خواهد شد، مهم این است که جنگ پارتیزانی را آغاز کرد. خود او نیز بر سر این تعیین تجارب انتقلاب کویا و بپارانی یک کانون پارتیزانی دیگر جان باخت.

چه گوارا در ۱۹۶۶ برای سازماندهی جنگ انتقلابی در بولیوی، کویا را ترک کرد. هسته اولیه واحد پارتیزانی او گروهی از انتقلابیون کشورهای مختلف آمریکای لاتین، از جمله تعدادی از انتقلابیون بولیویان بودند. مطابق برخی تحلیل ها، چه گوارا از آن رد بولیوی را به عنوان نقطه آغاز حرکت خود در سازماندهی چنگهای انتقلابی در آمریکای لاتین انتخاب کرده بود که شرایط انتقلابی را در این کشور مساعده می دید.

در بولیوی شرایط اجتماعی و فقر و فلاکت گسترده، احتمال روی آوری توده ها را به جنگ انتقلابی بیشتر کرده بود. بولیوی از آتجائی که فاقد اهمیت استراتژیک و تعیین کننده برای امپریالیسم بود، گمان می رفت که گوارا از چند جهت مورد اصابت گلهای قرار می گیرد. زیر آتش شلید گلهای، یکی از یاران او نمی تواند وی را از مخصوصه نجات دهد، لذا این دو توسط ارتشد بولیوی دستگیر می شوند. مقامات سیاسی و نظامی بولیوی و اعضاء سازمان جاسوسی آمریکا که در ماجراهی سرکوب دخالت مستقیم داشتند، به تصمیم گیری در مورد سرنوشت چه می پردازند. نخست مسئله محکمه او مطرح می شود، اما باین نتیجه می رسد که این محکمه میتواند بفعجه چه گوارا و تبلیغ برای کویا و کمونیسم تمام شود، لذا آن را رد می کنند و تصمیم می گیرند که چه و یاران او راکه در آن روز دستگیر شده بودند، اعدام کنند، اما رسماً اعلام کنند که وی به علت جراحات شلید درگذشته است. خبر اعدام را یکی از عوامل سیا که در جریان دستگیری وی حضور یافته بود، به وی اطلاع می دهد. چه می گوید که من نمی بایستی زندگ دستگیر می شم. اندکی بعد در ۹ اکتبر نظامیان بولیوی مامور اعدام او وارد مدرسه محل نگهداری چه می شوند. چه گوارا می گوید: می دانم برای چه آمده اید. او در حالیکه دستگیر شد، می سویل کمکهای مالی، تدارکاتی و نظامی خود را به سوی بولیوی سازیز کرد. تعدادی از کادرهای اطلاعاتی و نظامی مهمن خود را به بولیوی گسلی داشت و به سازماندهی و آموزش واحدی ویژه رنج برای شرکت در جنگ ناظم نهاده چیزکها پرداخت.

در ۲۸ آوریل ۱۹۶۷ رئیس بخش نظامی ایالات متده آمریکا در بولیوی و ژئوال اولندو فرمانده نیروهای مسلح بولیوی یک قرارداد در مورد ایجاد واحد رنج ارتشد بولیوی توسط نظامیان آمریکائی، اعضاء کردنده که در آن شرایط همکاری نیروهای مسلح بولیوی و امپریالیسم آمریکا در زمینه عملیات علیه چیزکها و سازماندهی و آموزش واحدهای رنج توضیح داده شده بود.

در مصاحبه ای با یک روزنامه نگار که بیوگرافی چه را تهیه می کرد، گفت که در جریان جزئیات محل دفن چه قرار دارد و این که جسد چه و چند تن از رفقاء او در یک گور دستجمعی تزدیک فروذگاهی خارج از شهر کوچک والدگرانده به خاک سپرده شده است. تحقیق و پیگیری مسئله صحت گفته های وی را تائید نمود، اما این مسئله دو سال به دراز کشید. بقایای جسد چه گوارا ۶ هم رزمنش در ژوئیه ۱۹۹۷ به کویا بازگرداند شد. متجازر از صد هزار تن از مردم هوانا به این رزمدگان انتقلابی و انترناسیونالیست ادای احترام کردند و در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۷ طی مراسم باشکوه با حضور کاسترو و دیگر رهبران کویا و هزاران تن از مردم انتقلابی کویا، چه گوارا به همراه ۶ هم رزمنش در سانتاکلارا از نو بخاک سپرده شد. ۳۰ سال از هنگام مرگ چه گوارا این انتقلابی بزرگ گلشت. اما آنچه که زنده و جاویدان مانده است، یاد چه و ایده ها و اندیشه های انتقلابی و کمونیستی اوست. و این درست آن چیزی است که ۳۰ سال پیش فیل کاسترو در ۱۸ اکتبر ۱۹۶۷ در سومین روز عزاداری ملی در برایر یک جمعیت یک میلیونی در میان انتقلاب هوانا ابراز داشت و گفت: آنها که سرود پیروزی را سرداده اند اشتباه می کنند. آنها بخطا می پندازند که مرگ چه ، مرگ ایده های اوست. چه گوارا بخطا عقاید و اعتقاد کمونیستی اش، بخطار دفاع اش از یک مشی انتقلابی، بخطار مبارزه پیگیراش عليه امپریالیسم و ارتقای، سهیل میلیونها انتقلابی نه فقط در آمریکای لاتین بلکه در آفریقا، آسیا، اروپا و تمام پنج قاره جهان است.

در حالیکه دیگر نام و نشانی از قاتلین چه باقی نماند است و دشمنان او منفورتر از گذشته اند، محبوسیت چه بخطار خصائل کمونیستی و انسانی و مبارزاتی اش، امروز ۳۰ سال پس از مرگ او تا بدان حد است که حتی جوانانی که کمونیست هم نیستند، افتخار می کنند بلایی را پوشنده که تصویر چه گوارا برآ آن نقش بسته است.

مرتعجين چه را به قتل رساندند، تا مگر راه و روش او را به عنوان یک کمونیست انتقلابی از بین برند. اما راه چه و اهداف و آرمانهای کمونیستی او جاودان مانده و خواهد ماند و یاد این انتقلابی بزرگ برای همیشه زنده خواهد ماند.

اقلامات نظامی مشترک آمریکا - بولیوی و حملات پی

در پی نظامی نیروهای مسلح بولیوی، واحدهای پارتیزانی تحت رهبری چه را که با کمبود امکانات ریبور شده بودند، شدیداً تحت فشار قرار می دهند.

پس از آن که محل اختفاء و رفت و آمد پارتیزانها در منطقه کشف و محاصره می شود، با ورود گردان دوم رنج ارتشد بولیوی به محل درگیری در ۸ اکتبر، نبرد سختی میان پارتیزانها تحت رهبری چه و نیروهای مسلح بولیوی در میکرید. در این نبرد که در حقیقت آخرين نبرد واحد پارتیزانی تحت رهبری چه است، چه گوارا از چند جهت مورد اصابت گلهای قرار می گیرد.

زیر آتش شلید گلهای، یکی از یاران او نمی تواند وی را از مخصوصه نجات دهد، لذا این دو توسط ارتشد بولیوی پیروز می شد، میتوانست به کشورهای همجوار نیز سلط پیلده. البته محیط از نظر شرایط جنگ پارتیزانی نیز در نظر گرفته شده بود.

چه گوارا که حلوادا در اواخر سپتامبر و اوائل نوامبر ۱۹۶۶ وارد بولیوی شده بود، به سرعت کار سازماندهی پارتیزانی را بر عهده گرفت. عملیات از مارس شدت گرفت و در فاصله مارس تا اوت ۱۹۶۷ واحدهای پارتیزانی تحت رهبری چه چنانی ضربه جلدی به نیروهای مسلح بولیوی وارد آوردند. اما رژیم بولیوی و امپریالیسم آمریکا نیز با حساسیت و شدت دست به کار شدند تا

مانع از پیدا شدن کویای دیگری گردند. رژیم بولیوی با ملتیازیه کردن مناطق عملیاتی واحدهای پارتیزانی، دهقانان را مرعوب نموده و قبل از این که چیزکها بتوانند وسیعاً اهداف خود را به آنها توضیح دهند، آنها را برای عدم همکاری با چیزکها و حتی همکاری با نیروهای مسلح حکومت، تحت فشار قرار داد. در این ضمن امپریالیسم آمریکا سیل کمکهای مالی، تدارکاتی و نظامی خود را به سوی بولیوی سازیز کرد. تعدادی از گسلی داشت و به سازماندهی و آموزش واحدی ویژه رنج برای شرکت در جنگ ناظم نهاده چیزکها پرداخت.

پس از اعدام چه، دستان او را بریند تا کویا مراسم انجشت نگاری و تطییق با مبارک پلیس آرژانتین را لنجام دهند. جسد چه گوارا را به خانواره وی نیز تحویل ندادند، بلکه او را به همراه شش هم رزمنش در یک نقطه نامعلوم در یک گور دستجمعی به خاک سپردند. تنها در اول ژوئیه ۱۹۹۵ بود که ژئوال اماریو وارکاس سالیناس



کارگران متوجه دست از کارکشیدند

روز سه شنبه ۲۲ مهرماه، جمع زیادی از کارگران یکی از کارگاههای تابع شرکت متوجه دعاوی اضطراب به عدم پرداخت افزایش حقوق، مابه التفاوت شش ماهه گذشته و عدم پرداخت چهارماه اضافه کاری دست از کارکشیدند. کارگران پس از تجمع دریکی از تونل های متوجه خواستار مطالبات معوقه خود شدند. در همین رابطه یکی از مشغولین شرکت متوجه اعتراض کرد که مدت ۴ ماه است که به کارگران حق اضافه کاری و نیز مابه التفاوت افزایش حقوق آنها پرداخت نشده است و هر یک از کارگران حد اقل صد هزار تومان از شرکت طلبکار استند. همچنین جمع زیاد دیگر از کارگران و کارکنان متوجه طی ارسال نامه اعتراض آمیزی به وزارت کارزیم، خواستار مطالبات معوقه خود، از جمله خواهان پرداخت «مابه التفاوت افزایش حقوق سارسی سالهای ۷۲ و ۷۳ و ۷۴» به ترتیب ۴ ماه و ۷ ماه و ۴ ماه شده اند. آنان همچنین خواهان دریافت بن کارگری، پرداخت بموقع و منظم حقوق خودشده و خواستار آنندکه دستمزدها و حقوق ها با توجه به نرخ رشد تورم، افزایش داده شود.

مسومیت دوکارگر افغانی

دو تن از کارگران زحمتکش افغانی در حین انجام کار در یک کارخانه رنگ سازی واقع در شهریزک، به شدت مسموم شدند. این حادثه در شب چهارشنبه نهم مهرماه و زمانی رویدادکه این دو کارگر افغانی بنام های ثارالله بیهودی ۳۳ ساله و سیروس فاضلی ۲۰ ساله، مشغول قیر انبوکردن پوسیدگی سطح داخلی یک منبع آب بودند. آنان که چندین ساعت متواتی و بدون استفاده از ماسک و سایر وسائل ایمنی و بهداشتی مشغول قیر پاشی بودند، در این تنفس بخارهای سمی متصاعد شده از قیر داغ که در داخل منبع جمع شده بود دچار مسمومیت شدید شده و روی قیهای و درکف منبع بیهودش افتادند. این حادثه بار دیگر نشان میهد که کارفرمایان و سرمایه داران سود جو در ایران، چگونه کارگران واژ جمله کارگران افغانی را استعمار میکنند بی آنکه حداقل های شریط ایمنی محیط کار را فراهم کنند.

اعتراض کارگران قراردادی

شرکت ذغال سنگ کوهان
کارگران قراردادی روزمزد ذغال سنگ کرمان، طی نامه اعتراض آمیزی، از مشغولین وزارت معادن و فلاتر خواستند، بصورت کارگران رسمی درآیند. آنان در پادشاهی اعتراضی خود ضمن اشاره به هزینه ها و مخارج روز افزون زندگی و عدم تطبیق و تناسب آن با دستمزدها، خواستار افزایش دستمزدهای خود شدند. این کارگران که چندین سال است بصورت قراردادی و روز مزد در شرکت

شکست نیروهای دشمن و پیروزی انقلاب کویا ایفا نمودند.

با پیروزی انقلاب کویا و کسب قدرت توسط کارگران و زحمتکشان، چه گوارا، استعداد رهبری خود را در عرصه سیاسی نیز آشکار ساخت و وظائف محله انقلابی را با موافقیت به انجام رساند.

یکی از خصائص برجهسته چه به عنوان یک کمونیست، اعتقاد عمیق او به ابتکار و روحیه خلاق توده های کارگر و زحمتکش بود. او نیز همانند فیل کلسترو برلین اعتقاد بود که پیشرفت انقلاب در کویا مستلزم مشارکت فعل و خلاق توده کارگر و زحمتکش است. چه گوارا که در بحیجه بروز اختلافات عمیق در جنبش جهانی کمونیستی و سلطه ریویزیونیستها در شوروی می زیست، عینتاً اعتقاد داشت که برای مصنوع داشتن انقلاب کویا از خطراتی که انقلابات پرولتری با آنها روبرو شده اند، و مقابلے با بوروکراتیسم باید پیش به ابتکار عمل توده ای میدان داد. توده ها را فعل در صحنه مبارزه نگهداشت و اجازه نداد جاه و مقام طلبان بوروکرات، توده کارگر را از صحنه بیرون کنند. طرحهای او به عنوان وزیر صنعت و اقتصاد نیز مبتنی براین درک و گستاخ رابطه کالانی - پولی و مشوق های مادی و اختلافات جدی در سطح دستمزدها و درآمدها بود.

چه گوارا نگرشی حقیقتاً مارکسیستی و انتراپیونیالیستی به مسئله انقلاب اجتماعی پرولتری داشت. او برخلاف ایدئات ریویزیونیستی دوران خوشچیسم و برئیسم که شکست امپریالیسم و بورژوازی جهانی را در یک رقابت اقتصادی و به شیوه پارلماتاریستی و مسالمت آمیز ممکن می دانستند، برلین اعتقاد بود که باید در سراسر جهان آتش انقلابات کارگری و رهانی پخش را شعله و رساخت و امپریالیسم را در آتش این انقلابات نابود کرد و بخاک سپرد، لذا شعار چه بیانی و بنیان های دیگر در سراسر جهان بود.

صفحه ۱۵

کمکهای مالی خود را به شماره حساب پانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایید.

I.W.A.
6932641 Postbank
Holland

به مناسبت سی امین سالگرد قتل کمونیست و انتراپیونالیست بلند آوازه آمریکای لاتین و یکی از رهبران بر جسته انقلاب کویا، ارنستو چه گوارا، کمونیستهای کشورهای مختلف جهان با بیانی تظاهرات، گردهم آنی ها و متینگ ها، یاد این انقلابی بزرگ را گرامی داشتند و نفرت و اتزجار خود را نسبت به قاتلین او نشان دادند.

مراسم بزرگداشت خاطره چه گوارا، در حقیقت ارج نهادن بر خصایل انتراپیونالیستی و ارزشیهای والای انسانی کمونیستهایست که بخاطر تحقق اهداف و آرمانهای شریف و انسانی خود، برآناختن هرگونه ستم و استیوار و ایجاد یک جامعه نوین کمونیستی که در آن انسانهای ازاد و برابر در رفاه و خوبیختی بسر برند، از هیچ تلاش و فدایکاری دریغ نمی ورزند.

چه گوارا نمونه ای از این انسان کمونیست بود. او در ۱۹۷۷ در آرژانتین متولد شد. در دانشکده پزشکی بوئنوس آیرس، تحصیل در رشته پزشکی را ادامه داد. در همین ایام از طریق جنبش دانشجویی به فعالیت های سیاسی روی آورد. در بنیان فعالیت سیاسی به مطالعه آثار مارکس، انگلکس و لینین پرداخت و به سوسیالیسم علمی گرایش پیدا کرد. او در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۵۳ با موتور خود دو سفر به دور آمریکای لاتین نمود تا شناخت بیشتر و بهتری از وضعیت منطقه و شرایط زندگی توده های زحمتکش مردم به دست آورد. هنگامی که در شیلی بود، فعالانه در مبارزات معلم پیمان شرکت برازیلی گشتوش و فعل میکردند و در جستجوی راههای برای گسترش و فعل کردن مبارزه در آمریکای لاتین بود که در مکریک با فیل کاسترو آشنا شد و مرحله نوینی از زندگی مبارزاتی او با ورود به کویا و آغاز جنگ پارتیزانی آغاز گردید. چه گوارا به سرعت، صلاحیت و استعداد خود را در زمینه سازماندهی و رهبری جنگ انقلابی شان داد و به یکی از فرماندهان بر جسته تبدیل گردید. واحدهای تحت فرماندهی او نقش مهمی در

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس زیر پست کنند.

**Postfach 5312
30053 Hannover
Germany**

نشانی سازمان بر روی اینترنت:
E-Mail: info@fadaai-minority.org **http://www.fadaai-minority.org**

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 307, nov1997